

اقتصاد سیاسی آب
در باره سخنان حسن روحانینقشه راه ظریف
عبور از دوگانه تقابل و تسلیمدو آرزوی محمود
یلداخوانی محمود دولت آبادیهنرمندی همچون آب روان
به بهانه سالروز تولد نصرت کریمی

ابهام در نظارت بانگی

هشدار رئیس قوه قضائیه به بانک مرکزی



یادداشت روز

لاوروف دنبال چیست؟

چرا روس‌ها، ظریف را تخریب می‌کنند؟



کوروش احمدی

دبیلمات پیشین

سرگنی لاوروف، وزیر خارجه روسیه، اخیراً برای چندمین بار دکتر ظریف را در ارتباط با مکانیسم ماشه متهم کرده است. سخنان جدید لاوروف در این باره که متأسفانه در مصاحبه‌ای با صداوسیما مطرح و از این رسانه پخش شده، حاوی اتهامات بیشتری نسبت به گذشته است. او در اظهارات خلاف واقع خود مدعی شده که اسنپ‌ک «مستقیماً بین وزرای خارجه ایران و ایالات متحده توافق شده بود و بقیه، حداقل روسیه و چین، در تدوین این مکانیسم که در رویه جهانی بی‌سابقه است، شرکت نداشتند». وی اضافه کرده که «وقتی ما در سال ۲۰۱۵ فهمیدیم که چنین راه‌حلی بین مذاکره‌کنندگان آمریکایی و ایرانی پیدا شده از دوستان ایرانی سوال کردیم، آیا مطمئن هستید که این درست است؟» اینکه صداوسیما قول یک مقام خارجی را به این صورت پخش کند و حاضر نشود، روایت مقام ایرانی را هم بشنود و همزمان یا بعداً پخش کند، رویه معمولی نیست.

خوشبختانه سخنگوی وزارت خارجه در اقدامی بجا و شایسته هر چند اجمالی، واکنشی به اظهارات لاوروف نشان داده و در پاسخ به سوالی راجع به «روایت ایران» تأکید کرده است که «(اساساً چیزی که ما صحبت می‌کنیم بحث روایت ما نیست، بحث بیان امر واقع است که هم در گزارش‌هایی که در این زمینه منتشر شده و هم در کتاب چند جلدی که در این زمینه چاپ شده به تفصیل توضیح داده شده. بنابراین در اینکه روایت دقیق کدام است، تردیدی نیست و آن روایتی است که از طرف مذاکره‌کنندگان ایرانی خیلی صریح در موردش صحبت شده است». همچنین نظر آقای آقای مبنی بر اینکه «من ادامه بحث و مجادله در مورد این موضوع را به نفع مصالح کشور نمی‌دانم» نیز نظر درستی است اما وزارت خارجه باید توجه داشته باشد که این بحثی است که تاکنون چندین بار توسط لاوروف مطرح شده است. مهم‌تر اینکه اظهارات لاوروف علیه دکتر ظریف را نباید امری شخصی و مربوط به شخص دکتر ظریف تلقی کرد. اتهام لاوروف اولاً سه بار دیگر در گذشته نیز سابقه دارد ثانیاً در مورد عملکرد دکتر ظریف در زمان وزارت ایشان و تصدی کار حساس اداره مذاکرات برجام بوده و مقامات ما نباید از کنار چنان اتهامی علیه یک مقام ارشد وقت به‌راحتی و بی‌تفاوت بگذرند. بدیهی است که هر اقدامی توسط دکتر ظریف در جریان مذاکرات انجام شده یا نشده قطعاً خودسرانه نبوده و با توجه به حساسیت امر قطعاً درج هر کلمه یا اجتناب از درج هر کلمه با مجوز مراجع عالیه کشور بوده است. از طرفی با توجه به برخی رقابت‌های جناحی در داخل کشور، مشکل می‌توان تصور کرد که هدف لاوروف از طرح مکرر این بحث تأثیرگذاری بر سیاست داخلی ایران نباشد. به همین دلیل ضروری است که وزارت خارجه ضمن احضار سفیر روسیه در تهران خواستار خودداری آقای لاوروف از تکرار این نظرات خلاف واقع شود. اما بی‌جا نیست، توضیح مختصری هم در مورد واقعیت قضیه بدهم. در جریان مذاکرات، در واقع هدف لاوروف در این رابطه، حفظ حق وتوی روسیه در ارتباط با هر گونه بازگشت‌پذیری (اسنپ‌ک) تعهدات طرفین بود و برای این منظور او در مذاکرات بین ایران و آمریکا به نفع اعضای دائم (به‌شمول روسیه و آمریکا) دخالت می‌کرد.

| ادامه در صفحه ۳



قاچاق داروهای ایران

داروهای کمیاب و نایاب وارداتی
یا تولید داخل، توسط شبکه‌های پنهان
به کشورهای همسایه،
از جمله افغانستان قاچاق می‌شوند
سازندگی به بررسی این موضوع
پرداخته است



فانزه مومنی

گروه اجتماعی

قاچاق دارو در ایران، امروز دیگر یک پدیده حاشیه‌ای یا صرفاً امنیتی نیست؛ بلکه نشانه‌ای هشداردهنده از به‌هم‌ریختگی عمیق در سازوکار تأمین و توزیع دارو تبدیل شده است. جایی که داروخانه‌ها با قفسه‌های نیمه‌خالی دست‌وپنجه نرم می‌کنند، بازار غیررسمی با سرعت و نقدینگی، نقش تأمین‌کننده را برعهده گرفته است. این جابه‌جایی خاموش، تنها نتیجه فعالیت شبکه‌های قاچاق نیست بلکه محصول مستقیم سیاست‌هایی است که قیمت دارو را از منطق اقتصاد جدا کرده و آن را به کالایی دو چهره بدل ساخته‌اند: کمیاب برای بیمار، سودآور برای واسطه.

اختلاف شدید قیمت دارو میان ایران و کشورهای همسایه در کنار یارانه‌های پنهان و نظارت‌های ناپوسته، مسیری هموار برای خروج دارو از شبکه رسمی ایجاد کرده است. در چنین شرایطی دارو نه از مسیرهای پنهان بلکه از شکاف‌های آشکار مدیریتی نشت می‌کند؛ شکاف‌هایی که با سامانه‌های ناقص، نبود رهگیری مؤثر و ضعف هماهنگی میان نهادهای مسئول، روزبه‌روز عمیق‌تر شده‌اند. نتیجه آن است دارویی که باید در خدمت درمان باشد به ابزار کسب سود بدل می‌شود.

| ادامه در صفحه ۷



سال هشتم شماره ۲۱۴۵
سه‌شنبه ۲ دی ۱۴۰۴



بررسی رویدادهای سیاسی

گزارش سیاسی

اقتصاد سیاسی آب

بعضی از افراد درباره حل مشکل کمبود آب، حرف‌هایی می‌زنند که دقیق و علمی نیست، اما به اسم آب، دنبال نان هستند. سازندگی با بررسی اقتصاد سیاسی آب به این پرسش پاسخ می‌دهد؛ چه کسانی به اسم آب، دنبال نان مردم بودند؟

سعید مشهوری

خبرنگار سازندگی

می‌گویند حاج میرزاآقاسی، صدراعظم محمدشاه قاجار، که حساسیت زیادی نسبت به تأمین آب مردم داشت، شخصاً بر حفر چاه‌ها و قنات‌ها نظارت می‌کرد. روزی برای بازدید به محل حفر یکی از قنات‌ها رفت. مقنی به او گفت: «تا اینجا به آبی نرسیده‌ایم و بعد می‌دانم در این محل رگه‌ای از آب وجود داشته باشد». صدراعظم پاسخ داد: «به کار خود ادامه دهید و ناامید نباشید». چند روز بعد، حاج میرزاآقاسی دوباره برای بازدید آمد و از نتیجه حفاری پرسید. مقنی گفت: «همان‌طور که قبلاً عرض کردم، کندن این چاه در این نقطه بی‌حاصل است و به آب نخواهیم رسید». بار سوم که صدراعظم به محل آمد، مقنی سر بلند کرد و گفت: «این چاه آب ندارد و ما عملاً داریم برای کیوت‌های خدا، لانه می‌سازیم. صلاح در این است که از ادامه حفاری در این منطقه صرف‌نظر شود». حاج میرزاآقاسی با شنیدن این سخن از کوره در رفت و فریاد زد: «به تو چه مربوط است که این زمین آب دارد یا ندارد؟ اگر برای من آب نداشته باشد، برای تو که نان دارد». اظهارات اخیر حسن روحانی، رئیس‌جمهور پیشین، بسیاری را به یاد همین حکایت انداخته است. روحانی اخیراً گفته است: «یک دستگاهی نزد ما می‌آمد و می‌گفت، مسئله آب کشور به‌راحتی قابل حل است. طرحی ارائه می‌کرد با کمک یک کشور دیگر و مدعی بود اگر از این دستگاه‌ها در نقاط مختلف ایران استفاده کنیم، همه ابرهایی که به آسمان ایران می‌رسند، متوقف می‌شوند و بارندگی در کشور رخ می‌دهد». او در ادامه تأکید کرده است: «روشن بود که مسئله به این سادگی نیست. اگر حل بحران آب به این شکل آسان بود، کشورهای دیگر هم چنین کاری می‌کردند. چطور ممکن است هیچ کشور دیگری سراغ این روش نرفته باشد؟ بعضی از این افراد آدم‌های خوبی هستند اما حرف‌هایی که می‌زنند، دقیق و علمی نبود. بعضی‌ها هم به اسم آب، دنبال نان هستند». روحانی همچنین به تجربه چاه‌های ژرف اشاره کرده و گفته است: «همان دستگاه در مقطع دیگری آمد و مدعی شد که از طریق چاه‌های ژرف، می‌توان مسئله آب را حل کرد. یک نمونه هم اجرا کردند و بعد گفتند بسیار موفقیت‌آمیز بوده است. اما در عمل دیدیم چنین نبود؛ آب استحصالی کیفیت لازم را نداشت، پس از مدت کوتاهی میزان آن کاهش پیدا کرد و شور بودن آب به‌حدی بود که عملاً قابل استفاده نبود». این سخنان، بار دیگر بحث میان علم، سیاست و منافع اقتصادی را در مسئله آب برجسته کرده است. گاه پروژه‌هایی پرهزینه و پسر و صدا بدون پشتوانه علمی و صرفاً با وعده‌های بزرگ مطرح می‌شوند اما در نهایت نه بحران آب را حل می‌کنند و نه نتیجه‌ای جز اتلاف منابع و تکرار تجربه‌های ناکام به همراه دارند.

گروه سیاسی: اظهارات روز گذشته، رئیس قوه قضائیه درباره ۶ هزار حساب بانکی مشکوک، تعهدات ارزی ایفا نشده و ارسال نشدن پرونده‌ها به دستگاه قضایی، موضوع نظارت بانک مرکزی بر شبکه بانکی و ارزی کشور را دوباره با ابهام مواجه کرد. محسنی‌اژه‌ای با طرح پرسش‌هایی در این باره، عملکرد نظارتی بانک مرکزی را مورد سوال قرار داد و خواستار پاسخگویی این نهاد نسبت به وظایف قانونی‌اش شد. رئیس قوه قضائیه همچنین بر ضرورت ایفای کامل مسئولیت‌های قانونی بانک مرکزی تأکید کرد و گفت نباید این توقع وجود داشته باشد که قوه قضائیه، جایگزین این نهاد در انجام وظایف ذاتی‌اش شود.

غلامحسین محسنی‌اژه‌ای در نشست شورای عالی قوه قضائیه با اشاره به اظهارات سخنگوی بانک مرکزی درباره شناسایی و مسدودسازی بیش از ۶ هزار حساب بانکی مرتبط با ۲۵۱ مظنون به پولشویی و اخلال در بازار ارز، پرسش‌هایی درباره نحوه ایجاد و نظارت بر این حساب‌ها مطرح کرد و گفت: چگونه تعداد محدودی توانسته‌اند ۶ هزار حساب بانکی ایجاد کنند و کدام نهاد مسئول نظارت بر این موضوع بوده است؟ مگر یکی از وظایف بانک مرکزی، نظارت بر بانک‌ها نیست؟ وی همچنین با اشاره به انتشار اخباری مبنی بر ارسال پرونده ۱۳ نفر از مظنونان پولشویی و اخلال در بازار ارز به دستگاه قضایی افزود: تا دیروز که پیگیری کردم چنین پرونده‌ای از سوی بانک مرکزی به قوه قضائیه واصل نشده است؛ البته از سوی برخی ضابطان ازجمله سازمان اطلاعات سپاه، گزارش‌هایی در این زمینه دریافت شده اما از ناحیه بانک مرکزی، موضوعی ارسال نشده است.

رئیس دستگاه قضا همچنین به مبحث کارت‌های بازرگانی اجاره‌ای و تعهدات ارزی ایفا نشده، پرداخت و گفت: در رسانه‌ها و جراید از قول سرپرست معاونت ارزی بانک مرکزی چنین درج شده که در ۲ سال اخیر حدود ۹۰۰ کارت بازرگانی اجاره‌ای که تعهد ارزی آنها ایفا نشده بود، شناسایی شده است. سوال آن است که نهاد صادرکننده این کارت‌های بازرگانی و نهاد ناظر بر آنها، کدام است؟ بانک مرکزی در این راستا، چه وظایفی برعهده دارد؟ ایسن کارت‌ها در چه مدت زمانی صادر شده است؟ چه بخش‌هایی در تأیید صدور این کارت‌ها نقش داشتند؟ اگر مقصود گوینده این سخن، آن است که عدم ایفای تعهدات ارزی ناشی از کارت‌های بازرگانی اجاره‌ای بوده و ایسن ادعا با واقعیت مطابقت دارد، در این صورت مسئولیت سنگینی متوجه صادرکنندگان و ناظران این کارت‌ها خواهد بود.

محسنی‌اژه‌ای با اشاره به برخی اطلاع‌رسانی‌ها در رسانه‌ها گفت که در برخی مواقع، عده‌ای در رسانه‌ها از ارسال گزارش و یا ارسال نامه سرکشاده به رئیس قوه قضائیه خبر می‌دهند،

سیاست

تهدید سیاسی یا قانونی؟

واکنش‌ها به هشدار قالیباف به دولت درباره استیضاح وزرا

گروه سیاسی: اظهارات اخیر محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس درباره احتمال استیضاح وزرا اگر دولت اصلاحات لازم را در کابینه انجام ندهد، محور بحث‌های گسترده دو روز اخیر محافل سیاسی و رسانه‌ها بود. قالیباف با تأکید بر وظیفه مجلس در نظارت بر عملکرد دولت و در حالی که مجلس ابزارهای قانونی لازم برای پاسخگو کردن دولت و وزرا را در اختیار دارد، این هشدار را مطرح کرد و باعث شد، موجی از تحلیل‌ها و برداشت‌های مختلف از موضع جنجالی او در فضای خبری و رسانه‌ای و شبکه‌های اجتماعی شکل بگیرد.

رسانه‌های داخلی هم‌زمان با پوشش گسترده خبر، موضع رئیس مجلس را با وضعیت اقتصادی کشور، ازجمله گرانی‌ها و فشار معیشتی مردم، مرتبط کردند. برخی از تحلیلگران هم این اقدام را یک اولتیماتوم جدی به دولت تلقی کرده و نسبت به متشنج شدن رابطه مجلس و دولت هشدار دادند. بعضی رسانه‌ها هم نوشتند که هشدار قالیباف می‌تواند، مجلس را از مسیر همکاری و هم‌صدایی با دولت به سمت موضع نظارتی سخت‌تر سوق دهد و دوباره اختلافات سیاسی را برجسته کند. رسانه‌ها و روزنامه‌های منتقد نیز واکنش نشان داده و این تهدید را غیرمنطقی یا سیاسی ارزیابی کردند و البته معتقدند که رئیس مجلس درک کافی از عمق بحران اقتصادی ندارد.

در این میان، بعضی دیگر از تحلیلگران این فشار رسانه‌ای را



شود و البته قوه قضائیه هم به وظیفه قانونی خود عمل می‌کند. رئیس قوه قضائیه با تشریح مسئولیت‌ها و اهداف بانک مرکزی گفت: مهار تورم، ثبات و سلامت شبکه بانکی، حمایت از رشد اقتصادی و اشتغال، کمک به حفظ و ارتقای ارزش پول ملی و کمک به تحقق عدالت اجتماعی ازجمله مسئولیت‌ها و اهداف بانک مرکزی است؛ یکی از مباحث مطرح در قضیه عدالت اجتماعی، آن است که عده‌ای به‌واسطه رانت و سایر مسائل، پول‌های فراوان به جیب می‌زنند و عده‌ای نیز با مشکلات روزمره دست و پنجه نرم می‌کنند.

رئیس دستگاه قضا افزود: جلوگیری از بروز تخلف توسط اشخاص تحت نظارت و تبیبه اشخاص تحت نظارت متخلف ایجاد زیرساخت‌های فنی لازم برای تحقق اهداف بانک مرکزی ازجمله تشکیل پایگاه‌های جامع جمع‌آوری و تحلیل داده، نگهداری و مدیریت ذخایر بین‌المللی کشور نظیر ارز و طلا، تحکیم حکمرانی پول ملی از طریق نظارت مؤثر بر آن همچنین ایفای نقش نظارتی مصرح در قوانین مرتبط با ورود و خروج ارز و پول رایج کشور نیز از دیگر وظایف بانک مرکزی است که باید ایسن وظایف و امور طبق قانون، به‌طور کامل محقق شوند و سازمان بازرسی نیز باید نسبت به حسن اجرای این قوانین، نظارت ویژه داشته باشد.

وی تأکید کرد: بانک مرکزی در قبال موضوعات و مقولات فوق‌الذکر، مسئول است و از اختیاراتی برخوردار است و باید وظایف قانونی خود را انجام دهد؛ قوه قضائیه و سایر دستگاه‌ها و بخش‌های ذی‌صلاح نیز باید بانک مرکزی را در انجام وظایفش یاری برسانند؛ قطعاً چنانچه بانک مرکزی گزارش و یا شکایتی را تسلیم دستگاه قضا کند، ما به‌طور دقیق پیگیری و رسیدگی می‌کنیم؛ اما این توقع نباید وجود داشته باشد که قوه قضائیه جایگزین بانک مرکزی در عمل به وظایفش شود؛ اگر چنین باشد هر دستگاهی از بار مسئولیت شانه خالی می‌کند؛ از سویی دیگر، اگر بسپارند به دیگران و بگویند که دیگران بیایند و کارگروه تشکیل دهیم نیز این سوال مطرح می‌شود که پاسخگو چه کسی خواهد بود؟ کارگروه که مسئولیت قبول نمی‌کند؛ بنابراین چه کسی را می‌خواهید، مسئول و بازخواست کنید؟ این موضوعی است که من خطاب به متولیان بانک مرکزی و برخی دیگر از مسئولان اقتصادی مطرح کرده‌ام.

محسنی‌اژه‌ای همچنین از ورود نظارتی سازمان بازرسی کل کشور به موضوع ارز و نوسانات بازار ارز خبر داد و گفت: سازمان بازرسی کل کشور در نتیجه برگزاری جلسات با سایر دستگاه‌های نظارتی و متولیان بانک مرکزی و کارشناسان و صاحب‌نظران حوزه پول و اقتصاد و برخی دیگر از اشخاص ذی‌صلاح و ذی‌ربط، دستورالعملی ۱۷ بندی را در ارتباط با مبحث ارز، تدوین کرده است. در اینجا تأکید دارم که برخی از مفاد آن ۱۷ بند از اولویت بیشتری برای عملیاتی‌سازی برخوردارند، لذا باید سریعاً در دستورکار قرار گیرند؛ همچنین وفق آنچه که در قانون بانک مرکزی مندرج است، برخی مفاد دیگر نیز با عنایت به شرایط فعلی، اولویت دارند که باید به آن ۱۷ بند اضافه شوند.

وی با اشاره به تصویب قانون بانک مرکزی در سال ۱۴۰۲ افزود: در این قانون، اختیارات و وظایف گسترده‌ای برای بانک مرکزی پیش‌بینی شده و بخش‌های متعددی ازجمله مؤسسات اعتباری، صرافی‌ها و صندوق‌های قرض‌الحسنه تحت نظارت این بانک قرار دارند.

محسنی‌اژه‌ای در پایان بر ضرورت هدایت تسهیلات به سمت جهش تولید و هدایت تسهیلات بانکی به سمت تولید و توزیع عادلانه منابع بانکی تأکید کرد: برنامه‌ریزی و تمهید مقدمات مورد نیاز برای دسترسی عادلانه عموم خانوارها و بنگاه‌ها و مناطق مختلف کشور به تسهیلات و خدمات بانکی از دیگر وظایف بانک مرکزی، وفق قانون مربوطه است. یکی از وظایف و مسئولیت‌های بانک مرکزی آن است که برنامه‌ریزی و نظارت کند تا تسهیلات به سمت تولید هدایت شود و عادلانه بین تولیدکنندگان توزیع شود؛ این مقوله نیز در زمره مقولات اولویت‌دار است و سازمان بازرسی کل کشور به این مبحث نیز ورود و نظارت ویژه داشته باشد.

به یکدیگر است به نقش مستقیم مجلس اشاره کرد و گفت که «مدیریت گرانی‌ها و حفظ قدرت خرید مردم در اولویت اقدامات اجرایی قرار دارد اما همان‌طور که دولت موظف به پاسخگویی درباره اجرای سیاست‌هاست، مجلس هم در قبال قوانین مصوب و پیامدهای تصمیمات تقنینی مسئولیت دارد. اصلاح شرایط اقتصادی هم صرفاً از مسیر تغییر افراد محقق نمی‌شود و نیازمند اصلاح رویه‌ها و سیاست‌ها در هر دو قوه است».

واکنش کاربران شبکه‌های اجتماعی اما تاکنون بیشتر تقدیم‌محور بوده است. مردم معتقدند، مشکلات اقتصادی ملموس و فشار معیشتی شدید است و بسیاری تأکید کرده‌اند که تمرکز باید بر اصلاحات عملی اقتصادی و بهبود شرایط زندگی مردم باشد نه رقابت سیاسی بین مجلس و دولت. در مجموع، رسانه‌ها و تحلیلگران هشدار قالیباف را هم به‌عنوان ابزار قانونی نظارتی و هم به‌عنوان چالشی سیاسی با پیامدهای انتخاباتی احتمالی بررسی کرده‌اند، در حالی که مردم بیشتر خواستار و البته منتظر اقدامات عملی برای کاهش فشار اقتصادی و بهبود زندگی روزمره‌شان هستند. این واکنش‌ها نشان می‌دهد که فراتر از هر هیاهوی سیاسی و تهدید رسانه‌ای، اهمیت اصلاحات واقعی اقتصادی و ثبات معیشتی مردم، فوری‌تر از هر اقدامی است.



سال هشتم شماره ۲۱۴۵
سه‌شنبه ۲ دی ۱۴۰۴

بررسی تحولات جهان

افق

مدعی کمبود اطلاعات

گروسی: بازرسان حضور دائمی ندارند
و اورانیوم با غنای بالا همچنان در ایران است

دیگر بازیگران منطقه‌ای است.

در سوی دیگر، جمهوری اسلامی ایران ضمن اذعان به آسیب‌های وارد شده بر برخی بخش‌های فیزیکی تأسیسات بر ماهیت صلح‌آمیز برنامه هسته‌ای و انکای آن به دانش بومی و ظرفیت انسانی تأکید می‌کند. مقامات ایرانی یادآور می‌شوند که فناوری هسته‌ای حاصل سال‌ها سرمایه‌گذاری علمی است و حتی در صورت تخریب ساختمان‌ها، قابلیت بازسازی و ادامه فعالیت‌ها همچنان وجود دارد. این موضع علاوه بر حفظ انسجام داخلی، پیامی روشن به جامعه جهانی ارسال می‌کند که فشار و تهدید نمی‌تواند راه‌حل پرونده هسته‌ای ایران باشد.

گروسی در سخنان خود گرچه تلاش دارد، بی‌طرفانه ظاهر شود اما عملاً ادعای آمریکا درباره نابودی کامل برنامه هسته‌ای ایران را زیر سؤال برد. تأکید او بر باقی ماندن ذخایر اورانیوم و نامشخص بودن وضعیت دقیق آنها نشان می‌دهد که روایت واشنگتن از «صفر شدن» توان هسته‌ای ایران بیشتر بخشی از جنگ روانی است تا واقعیت. او همچنین اذعان دارد که آژانس به دلیل محدودیت دسترسی و کاهش سطح همکاری‌ها، تصویر کاملی از شرایط ندارد؛ مسئله‌ای که ریشه در فضای بی‌اعتمادی ناشی از اقدامات خصمانه آمریکا دارد.

گروه بین‌الملل: رافائل گروسی، مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی بدون اشاره به تجاوز نظامی آمریکا و اسرائیل به تأسیسات هسته‌ای ایران تلاش کرد تا بار دیگر از پرونده هسته‌ای، معضلی تازه بسازد. پرونده‌ای که سال‌هاست از یک موضوع صرفاً فنی فراتر رفته و به عرصه‌ای برای جدال سیاسی و رقابت راهبردی میان تهران و واشنگتن بدل شده است. در حالی که ایالات متحده و برخی متحدانش پس از حمله نظامی ماه ژوئن مدعی‌اند، زیرساخت‌های هسته‌ای ایران به‌طور کامل نابود شده، سخنان گروسی درباره باقی ماندن ذخایر قابل توجه اورانیوم غنی‌شده و کمبود اطلاعات از برنامه هسته‌ای همچنین عدم حضور دائمی بازرسان آژانس در ایران نشان داد که فاصله‌ای جدی میان روایت‌های سیاسی و واقعیت‌های موجود وجود دارد. آمریکا با تکیه بر گزارش‌های نظامی، تصویری بزرگ‌نمایی شده از خسارات وارد شده به تأسیسات نظنز، فردو و اصفهان ارائه می‌کند. دونالد ترامپ نیز در همین مسیر تلاش دارد حمله اخیر را به‌عنوان یک دستاورد راهبردی معرفی کند و از عقبگرد چندین‌ساله برنامه هسته‌ای ایران سخن بگوید. این روایت بیش از آنکه بر داده‌های فنی استوار باشد، کارکردی سیاسی دارد و هدف آن نمایش قدرت، توجیه اقدام نظامی و ارسال پیام بازدارنده به تهران و

دیپلماسی

نقشه راه ظریف

عبور از دوگانه تقابل و تسلیم



ابوالفضل خدایی

گروه بین‌الملل

مقاله مشترک محمدجواد ظریف، وزیر پیشین خارجه و امیرپارسا گرمسیری، دانشجوی روابط بین‌الملل با عنوان «ایران به‌عنوان میانجی طبیعی» در فارن افزرز، یکی از متون تحلیلی قابل توجه در حوزه روابط بین‌الملل است که هم نقاط قوت چشمگیری دارد و هم با چالش‌ها و انتقاداتی روبه‌روست. این نوشته تلاش می‌کند، جایگاه ایران را در نظم منطقه‌ای و جهانی از زاویه‌ای متفاوت بررسی کند و یکی از برجسته‌ترین ویژگی‌های آن استفاده هوشمندانه و نظام‌مند از نظریه «امنیتی‌سازی» مکتب کپنهاگ برای تحلیل وضعیت ایران است. این رویکرد بحث را از سطح یک منازعه صرفاً سیاسی یا ایدئولوژیک فراتر برده و آن را در چارچوبی آکادمیک و شناخته شده قرار می‌دهد. نویسندگان ضمن اشاره به دوگانه تقابل و تسلیم توضیح می‌دهند که چگونه ایران توسط رقبای خود، به‌ویژه آمریکا و اسرائیل، به یک «تهدید وجودی» تبدیل شده است. همین برساخت تهدید، زمینه را برای اقدامات فوق‌العاده مانند تحریم‌های فلج‌کننده یا تهدید نظامی فراهم کرده است. این تحلیل نشان می‌دهد که واقعیت‌های سیاسی تنها محصول توان مادی نیستند بلکه گفتمان و روایت نیز نقشی اساسی در شکل‌دهی به آنها دارند. این نکته دقیقاً همان چیزی است که سازه‌انگاری در روابط بین‌الملل بر آن تأکید می‌کند: قدرت نرم و معنا به‌اندازه قدرت سخت و مادی اهمیت دارند. مقاله با ترسیم چرخه امنیتی‌سازی و مقایسه آن با «معمای امنیت»، عمق تحلیلی خود را افزایش داده است. تأکید بر اینکه نقطه آغاز این چرخه نه افزایش توان نظامی بلکه ساخت یک روایت تهدیدآمیز است، درک تازه‌ای از تحولات دو دهه اخیر ارائه می‌دهد.

جنبه مثبت دیگر مقاله، توجه به مفهوم «کنشگری» و ارائه راهکارهای مشخص برای خروج از بن‌بست است. برخلاف بسیاری از تحلیل‌ها که گرفتار جبرگرایی ساختاری می‌شوند، نویسندگان معتقدند، ایران می‌تواند با سیاست‌های هوشمندانه چرخه امنیتی‌سازی را بشکند. آنها اصلاحات داخلی مانند افزایش سرمایه اجتماعی، مبارزه با فساد و بهبود شرایط اقتصادی



نه‌تنها برنامه هسته‌ای ایران را متوقف نکرده بلکه بر عزم تهران برای انکا به توان داخلی افزوده است. در چنین شرایطی، تنها راه پایدار برای حل بحران هسته‌ای بازگشت به دیپلماسی واقعی، احترام به حقوق هسته‌ای ایران و پایان دادن به سیاست‌های دوگانه است. بدون چنین رویکردی این پرونده همچنان یکی از چالش‌های اصلی نظام بین‌الملل باقی خواهد ماند و هر اقدام نظامی یا فشار سیاسی صرفاً بر پیچیدگی آن خواهد افزود.

اظهارات اخیر گروسی نشان داد که واقعیت‌های میدانی با روایت‌های سیاسی، فاصله‌ای جدی دارند. پرونده هسته‌ای ایران نه با تهدید و فشار بلکه تنها با گفت‌وگو و احترام متقابل قابل حل است. این بحران آزمونی برای جامعه جهانی است تا میان سیاست‌های قدرتمحور و دیپلماسی مبتنی بر حقوق بین‌الملل یکی را برگزیند.

ادامه یادداشت روز

لاوروف وروایت‌سازی از اسنپ‌بک

اظهارات مکرر آقای لاوروف، با خاطرات مکتوب و مصاحبه‌های دیگر مذاکره‌کنندگان ازجمله وندی شرم، نفر دوم هیئت آمریکا، متضاد است. خانم شرم در کتابش نتیجه تلاش لاوروف برای حفظ حق وتوی روسیه را که طبعاً به حفظ حق وتوی آمریکا در بازگرداندن قطعه‌نامه‌های شورای امنیت انجامید، ستوده است. خانم شرم، در این مورد در کتاب خود می‌گوید: «در نهایت، سرگی لاوروف، وزیر امور خارجه روسیه، راه‌حلی هوشمندانه و مبتکرانه پیشنهاد کرد که براساس آن هر یک از اعضای گروه ۵+۱ می‌توانستند در صورتی که معتقد بودند ایران توافقی را نقض کرده، خواستار رأی‌گیری در شورای امنیت شوند. اما قطعه‌نامه به‌صورت ایجابی تنظیم می‌شد؛ یعنی تأیید می‌کرد که لغو تحریم‌ها ادامه یابد. در این صورت هر کشوری می‌توانست آن قطعه‌نامه را وتو کند و بدین‌ترتیب تحریم‌ها به‌طور خودکار بازمی‌گشتند؛ بنابراین حق وتو حفظ می‌شد، در حالی‌که ایالات متحده یا هر کشور دیگری همچنان می‌توانست به‌تنهایی اقدام کند». (خاطرات شرم، ص. ۱۸۰)

شرح تفصیلی ماجراهای منتهی به توافق در مورد اسنپ‌بک در کتاب «راز سر به‌مهر» نیز آمده و از جمله توضیح داده شده که «روسیه به‌عنوان عضو دائم شورای امنیت که به همه قطعه‌نامه‌های فصل هفتمی در دولت نهم و دهم رأی مثبت داده بود، از ابتدای مذاکرات مخالف لغو قطعه‌نامه‌ها بود و حتی لاوروف در گفت‌وگو با جان کری اصرار هیئت ایرانی بر لغو فوری قطعه‌نامه‌ها را احمقانه می‌دانست (جلد ۳ ص ۱۹۹). به‌علاوه، روسیه نه‌تنها در مذاکرات بر تعلیق -در برابر لغو- قطعه‌نامه‌های شورای امنیت پافشاری می‌کرد، (جلد ۴ ص ۲۴۶) بلکه پنهان از دید هیئت ایرانی با همکاری فرانسه پیش‌نویسی در همین راستا ارائه داد. (در صفحه ۴۱۹ جلد چهارم و صفحه ۴۵۳ جلد ششم) راز سر به‌مهر تصویر پیشنهاد عجیب فرانسه با همراهی روسیه که لغو قطعه‌نامه‌ها را تعلیق به محال می‌کرد، درج شده است.

صرف‌نظر از اینکه هدف لاوروف از گفتن و تکرار کردن این اظهارات خلاف واقع چیست، مهم این است کسانی‌که در داخل با نگاه مثبت سخنان آقای لاوروف را منعکس می‌کنند، لازم است حداقل برای اینکه تکلیف خودشان روشن شود، نگاهی به بخش‌های مربوطه در کتاب راز سر به مهر ببندازند.

ابهام موجود در پرونده هسته‌ای ایران اکنون به ابزاری در دست بازیگران مختلف تبدیل شده است. آمریکا با بزرگ‌نمایی خسارات می‌کوشد، اقدام نظامی خود را مشروع جلوه دهد و مسیر دیپلماسی را به نفع فشار حداکثری مدیریت کند. آژانس نیز با برجسته‌سازی کمبود اطلاعات، خواستار افزایش همکاری‌ها و بازگشت دسترسی‌های گسترده‌تر است. ایران اما تأکید دارد که کاهش همکاری‌ها، واکنشی طبیعی به حمله نظامی و نقض اصول حقوق بین‌الملل بوده و نمی‌توان انتظار داشت در شرایط تهدید همان سطح از همکاری حفظ شود.

از نگاه تهران، هدف اصلی واشنگتن از حمله به تأسیسات هسته‌ای نه نگرانی از اشاعه بلکه مهار توانمندی‌های راهبردی و تضعیف موقعیت مستقل ایران در معادلات منطقه‌ای است. تجربه سال‌های گذشته نشان داده که فشار، تحریم و حتی اقدام نظامی

توافق نداشتن» در حوزه‌های ایدئولوژیک بازمی‌گردد. هرچند این رویکرد در نظریه جذاب است در عمل مرز میان مسائل ایدئولوژیک و سیاسی بسیار مبهم است. موضع ایران در قبال اسرائیل یا حضور نظامی آمریکا در منطقه صرفاً اختلافی ایدئولوژیک نیست بلکه پیامدهای امنیتی و سیاسی ملموسی دارد. نادیده گرفتن این مسائل یا تلاش برای کنار گذاشتن آنها ساده نیست زیرا بخشی جدایی‌ناپذیر از هویت و دکرین امنیتی بازیگران کلیدی محسوب می‌شوند. افزون بر این امنیتی‌سازی ایران برای آمریکا و اسرائیل، کارکردهای داخلی و خارجی مهمی دارد؛ از توجیه بودجه‌های نظامی گرفته تا حفظ ائتلاف‌های منطقه‌ای و بسیج افکار عمومی. بنابراین انتظار اینکه آنها به‌سادگی از این ابزار قدرتمند دست بکشند شاید بیش از حد خوش‌بینانه باشد. مقاله هرچند به لزوم اجماع داخلی اشاره می‌کند اما کمتر به پیچیدگی‌های واقعی دست‌یابی به چنین اجماعی در ساختار سیاسی ایران پرداخته است. وجود دیدگاه‌های متعارض و منافع جناحی مختلف یکی از بزرگ‌ترین موانع برای اجرای سیاست خارجی منسجم و مبتنی بر تشرذابی است. بدون حل این چالش‌ها حتی بهترین راهکارهای دیپلماتیک نیز ممکن است در عمل ناکام بمانند.

مقاله ظریف و گرمسیری دربرگیرنده نکات مهم و ارزشمندی است که با بهره‌گیری خلاقانه از نظریات روابط بین‌الملل، چارچوبی نو برای فهم وضعیت ایران ارائه می‌دهد. قدرت اصلی آن در تحلیل گفتمانی و تأکید بر کنشگری دیپلماتیک نهفته است. با این حال واقعیت‌های سخت قدرت و تضاد منافع ساختاری ازجمله موارد مهمی است که نیاز به تحلیل و پردازش بیشتری دارد. اگر ایران بخواهد، نقش «میانجی طبیعی» را ایفا کند باید هم‌زمان دو مسیر را طی کند: از یک‌سو اصلاحات داخلی برای افزایش مشروعیت و انسجام و از سوی دیگر دیپلماسی فعال برای کاهش نگرانی‌های منطقه‌ای. تنها در این صورت است که می‌توان امید داشت ایران از چرخه امنیتی‌سازی خارج شود و بازگرایی سازنده در منطقه تبدیل شود. نگاه آینده‌پژوهانه نشان می‌دهد که در دهه‌های پیش‌رو، منطقه خاورمیانه با چالش‌های مشترکی چون بحران آب، تغییرات اقلیمی، مهاجرت‌های گسترده و تهدیدهای فراملی روبه‌رو خواهد بود. ایران اگر بتواند از ظرفیت‌های ژئوپلیتیک و فرهنگی خود برای ایجاد سازوکارهای همکاری منطقه‌ای بهره گیرد نه‌تنها از فشارهای امنیتی خواهد کاست بلکه می‌تواند به محور شکل‌گیری یک نظم جدید مبتنی بر همکاری و هم‌زیستی بدل شود. چنین چشم‌اندازی مستلزم آن است که ایران از سیاست‌های واکنشی فاصله بگیرد و با نگاهی آینده‌محور، خود را به‌عنوان بازیگری مسئولیت‌پذیر و میانجی طبیعی در منطقه تثبیت کند.



کافی به تضاد منافع بنیادین و ساختاری نداده است. از نگاه واقع‌گرایی، رقابت میان ایران و آمریکا یا ایران و اسرائیل صرفاً یک سوء تفاهم یا نتیجه روایت‌سازی نیست بلکه ریشه در واقعیت‌های ژئوپلیتیک و تلاش برای هژمونی دارد. برای نمونه، توسعه برنامه هسته‌ای ایران یا گسترش نفوذ منطقه‌ای آن، فارغ از هرگونه روایت از سوی رقبایش به‌عنوان تهدیدی مستقیم تلقی می‌شود. در چنین شرایطی، تغییر گفتمان یا اقدامات اعتمادساز ممکن است برای تغییر محاسبات استراتژیک طرف مقابل کافی نباشد زیرا در نظام بین‌الملل، دولت‌ها بیش از نیت‌ها به توانمندی‌های یکدیگر توجه می‌کنند.

انتقاد دیگر به خوش‌بینی مقاله درباره امکان توافق برای

دو آرزوی محمود

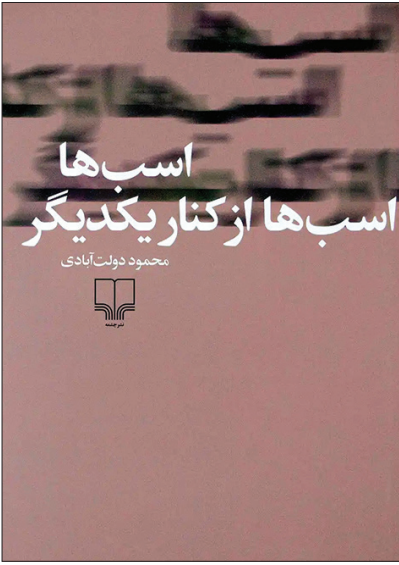
یلداخوانی **محمود دولت‌آبادی** در دانشگاه تهران



در بلندترین شب سال، دانشگاه تهران به صحنه‌ای برای روایت، خاطره و تأمل بدل شد؛ شبی که یلدا با ادبیات معاصر و کلاسیک ایران پیوند خورد و تالار فردوسی دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی، میزبان یکی از نام‌آشناترین چهره‌های داستان‌نویسی ایران شد. مراسم «داستان‌خوانی محمود دولت‌آبادی در شب یلدا» عصر یک‌شنبه ۳۰ آذر ۱۴۰۴ به میزبانی گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران و به همت مهدی علیایی‌مقدم برگزار شد و با استقبال گسترده دانشجویان، استادان و علاقه‌مندان ادبیات همراه بود. دولت‌آبادی در این شب گفت: در دامغان که بودم، گفت یکی از آرزوهای من آمدن باران است و دومی هم این است که صلح با عزت داشته باشیم و بتوانیم زندگی کنیم. یکی برآورده شد و منتظر دیگری هستیم.» به گزارش اینا این آیین فرهنگی با حضور محمود دولت‌آبادی و خانواده‌اش برگزار شد؛ حضوری که به فضای رسمی تالار، رنگی صمیمی‌تر بخشید. در این شب که به پاس‌داشت سنت دیرینه قصه‌خوانی در شب یلدا برگزار شده بود، محمود دولت‌آبادی به داستان‌خوانی پرداخت و بخش‌هایی از کتاب «اسب‌ها، اسب‌ها از کنار یکدیگر» را برای حاضران قرائت کرد؛ اثری متأخر و شاخص در کارنامهٔ او که هم‌چون دیگر نوشته‌هایش، نثری فشرده، آهنگین و تأمل‌برانگیز دارد و مخاطب را به همراهی ذهنی و عاطفی فرا می‌خواند.

روایت گم‌گشتگی انسان

ملک پسران، اگر توانسم خط و خبری از ثری برایش ببرم می‌میرد؛ و اگر ملک بمیرد، اگر دق کند نمی‌دانم من سروکارم به چه روزگاری بیفتد! کم‌کم کش این است که گوروگم می‌شوم از این عالم، اگر تو لجن جوی نغله نشوم. پس اگر راهی به گمانت می‌رسد، کاری بکن. من خیالت را از بابت ذوالقدر راحت کردم. آن یکی دیگرم پیداش می‌کنم، پیداش می‌کنیم. گفתי اسمش چی بود؟» کریم‌ا گفت که مهم نیست؛ «نشد هم نشد!» و چندی گذشت تا بگوید «این هم زنده بودی ماست. به یکدیگر می‌رسیم و از کنار هم می‌گذریم. یادی-چیزی از خودمان در دیگری باقی می‌گذاریم یا باقی نمی‌گذاریم؛ و هر کدام به محض گذر از کنار شانهٔ هم در پاشنهٔ پای دیگری گم می‌شویم؛ چه اهمیتی دارد! مرحب جنم خوبی بود، خیلی فکری‌اش می‌شوم. نگرانم حیف شده باشد با آن بی‌باکی‌ای که داشت.



«اسب‌ها، اسب‌ها از کنار یکدیگر» روایتی است از گم‌گشتگی انسان در لایه‌های پیچیدهٔ حافظه و زمان. داستان از دل جست‌وجویی شکل می‌گیرد که هم بیرونی است و هم درونی؛ جست‌وجوی آدم‌هایی که در پی چیزی از دست رفته‌اند، بی‌آنکه بدانند دقیقاً چه را گم کرده‌اند. پرسش محوری اثر، پرسشی فلسفی و انسانی است: آیا انسان خاطراتش را گم می‌کند، یا خود در ژرفای خاطره‌ای از دست‌رفته گم می‌شود؟ شخصیت اصلی داستان، «کریم مروا» یا «کریم‌ا»، انسانی سرگردان و شب‌گرد است که در کوچه‌ها و خاطره‌ها پرسه می‌زند. او در پی کسانی است که گمان می‌کند زمانی آن‌ها را می‌شناخته؛ آدم‌هایی که شاید بخشی از گذشته او بوده‌اند و اکنون نشانی از آن‌ها باقی نمانده است. این سرگردانی کریم‌ا را به خانه پیرمردی به نام «ملک پروان» می‌کشاند؛ مردی که زندگی‌اش، خود آینه‌ای از فقدان و انتظار است. ملک پروان دو پسر دارد: یکی سال‌هاست گم شده و خبری از او نیست و دیگری فرزندخوانده‌ای است که کریم‌ا با او آشنا می‌شود و پیوندی میان‌شان شکل می‌گیرد. در دل این روابط و رفت‌وآمدها، داستان به آرامی لایه‌های مختلف رنج انسانی را می‌کاود؛ رنج گم کردن، ناتوانی در بازیابی گذشته و زیستن با خاطره‌هایی که یا ناقص‌اند یا زخم‌خورده. عنوان خاص و رمزآلود کتاب مانند بسیاری از آثار دولت‌آبادی، اطلاعات مستقیمی از روند داستان نمی‌دهد اما خواننده را به جهانی چندلایه و عمیق دعوت می‌کند؛ جهانی که در آن تصویرسازی‌های دقیق، جمله‌های پرداخت‌شده و سکوت‌های معنادار، نقش اساسی دارند. خوانش مستقیم نویسنده در شب یلدا، این ویژگی‌ها را برای مخاطبان ملموس‌تر و اثرگذارتر کرد. «اسب‌ها، اسب‌ها از کنار یکدیگر» دارای پردازش و جملات بسیار زیبایی است که توجه مخاطب را به خود جلب کرده و تا مدت‌ها در ذهن باقی می‌ماند. این قصه نیازمند حواس جمع و توجه کامل خواننده حین مطالعه است و تمرکز زیادی برای درک شدن هرچه بهتر می‌طلبد. پس از بخش داستان‌خوانی توسط محمود دولت‌آبادی، برنامه با اجرای موسیقی سنتی ایرانی توسط دو تن از همراهان دولت‌آبادی ادامه یافت. نوای سازهای فضایی آرام و تأمل‌برانگیز در تالار فردوسی ایجاد کرد و پیوندی طبیعی میان موسیقی و ادبیات شکل گرفت. در همین فضا، دولت‌آبادی با همراهی موسیقی، ابتدا شعری از کسایی مروزی سپس بخشی از قصیده مشهور رودکی با مطلع «مرا بسود و فرو ریخت هرچه دندان بود» را خواند؛ شعری آندوهگین که تأملی عمیق بر گذر زمان و فرسودگی تن انسان دارد:

مرا بسود و فرو ریخت هر چه دندان بود
نبود دندان، لا بل چراغ تابان بود
سپید سیم زده بود و در و مرجان بود
ستارهٔ سحری بود و قطره باران بود
یکی نمائد کنون زان همه، بسود و بریخت
چه نحس بود! همانا که نحس کیوان بود...

خوانش این ابیات، در کنار موسیقی زنده، لحظاتی تأثیرگذار رقم زد و پیوند دیرینهٔ شعر کلاسیک فارسی با روایت، نغمه و آیین‌های کهنی چون شب یلدا را به یاد آورد.

در پایان مراسم، علاقه‌مندان با کتاب‌های محمود دولت‌آبادی در دست برای دیدار نزدیک‌تر با او و پرسش و پاسخ و دریافت امضا صف کشیدند. گفت‌وگوهای کوتاه، عکس‌های یادگاری و لبخندهای ردوبدل شده و پاسخ‌های دولت‌آبادی به پرسش‌های دانشجویان، پایان‌بخش شبی بود که با داستان، شعر و موسیقی معنا یافته بود؛ یلدایی که در آن، ادبیات معاصر و کلاسیک ایران در کنار هم در دانشگاه تهران زنده و جاری شد.

نگران کاغذ

روایت **محسن جوادی** از چالش‌های معاونت فرهنگی وزارت ارشاد

می‌کردیم در حوزه فرهنگ لازم است انجام شود، خواهیم داشت.»

اقتصاد فرهنگ؛ اساسی‌ترین چالش

محسن جوادی دربارهٔ این‌که چالش‌های این حوزه را چه چیزی می‌داند، توضیح داد: «یکی از چالش‌های اساسی، اقتصاد نشر و اقتصاد فرهنگ است. این موضوع گاه به گونه‌ای مطرح می‌شود که انگار فعالیت‌های اقتصادی و بازار ماهیتاً نمی‌توانند با کار فرهنگی مرتبط شوند و از این جهت فرهنگ و فعالیت‌های فرهنگی مبتنی بر کمک‌های دولتی و موسسات است. چنین مفهومی جا افتاده است و فعالیت‌های اقتصادی نتوانستند با فعالیت‌های فرهنگی مرتبط شوند؛ البته منظورمان از فعالیت‌های اقتصادی، فعالیت‌های فرهنگی منطقی و قابل دفاع است که با فرهنگ و فعالیت‌های فرهنگی و نشر کتاب عجین نشود مثلاً فعالیتی که حق نویسنده را ادا کند و زندگی او را بچرخاند؛ چیزی که الان نیست.» معاون فرهنگی وزیر ارشاد اقتصاد نشر را چالش اساسی و مزمنی خواند که منحصر به یک دولت نبوده و در همه دوره‌ها دیده می‌شود و گفت: «گاه تلاش‌هایی در این زمینه صورت گرفته اما عموماً نگاه این است که با تزریق بودجه کمکی به این حوزه شود. نمی‌گویم این کار بد است، این خوب است و در همه جای دنیا هم حمایت‌هایی صورت می‌گیرد. ظرفیت نشر و کار فرهنگی در ایران به‌قدری بالاست که اقتصاد آن در حال حاضر یک‌دهم آن‌چه باید باشد هم نیست و می‌تواند، تقویت شود. این اتفاق چگونه می‌افتد؟ از طریق افزودن تقاضا، اضافه کردن سرانه مطالعه، درگیر کردن دانشجویان و دانش‌آموزان با کتاب‌های غیردرسی، درگیر کردن بدنهٔ کارگری و بدنهٔ اداری با کتاب. رئیس‌جمهور کشورمان در مراسم پایانی مربوط به نهاد کتابخانه‌های عمومی، هم به این موضوع اشاره کرده و گفته بود چرا نباید سیستمی داشته باشیم که کتاب را در اختیار کارمندان قرار دهد. مدل‌های مختلفی می‌توانیم برای در اختیار می‌کند. تقویت اقتصاد فرهنگی پیوست دیگری هم دارد و آن راه پیدا کردن محصولات فرهنگی ایرانی به بازارهای اقتصادی بیرون از ایران است و این موضوع می‌تواند برای اقتصاد به صورت کلی و اقتصاد فرهنگی ایران مفید باشد. خود ایرانیان خارج از کشور نیز هستند که کتاب ایرانی در دسترس‌شان نیست. تقاضا هم در این زمینه وجود دارد اما سازوکاری نداریم که کتاب‌ها را در اختیارشان قرار دهیم. بنابراین

معاون فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، اقتصاد نشر را چالش اساسی این معاونت دانسته، قیمت کاغذ را نگران‌کننده توصیف کرده و از اصلاح ممیزی سخن گفته است.

کم‌کاری نمی‌کنیم

محسن جوادی، معاون فرهنگی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در گفت‌وگو با ایسنا، دربارهٔ حضور دوباره‌اش در کسوت معاونت فرهنگی بعد از سه سال و ارزیابی‌اش از این حوزه در این سال‌ها گفت: «بنده تجربهٔ معاونت فرهنگی را داشتم و در همان دوره، کرونا وقفه جدی‌ای در روند کارها و برنامه‌هایی که داشتیم، ایجاد کرد و امکان محقق شدن آرزوها و آلمان‌هایی که داشتیم، وجود نداشت. طبیعتاً برداشت و جمع‌بندی از موانعی که نمی‌گذارد تا به اهدافی که می‌خواهیم در حوزهٔ نشر و فعالیت‌های فرهنگی مربوط به انجمن‌ها و تشکل‌ها برسیم، داشتم. سعی کردم آن‌ها را در اختیار دوستانی که بعداً پست می‌گیرند، قرار دهم اما این‌که دوباره خودم برگردم، در ذهنم نبود اما چرخش روزگار به‌گونه‌ای شد به‌رغم این‌که در دورهٔ جدید قرار شد در پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات مسئولیت داشته باشم به حوزهٔ معاونت فرهنگی امدم. تقریباً مدتی دو مسئولیت داشتم. حالا سعی می‌کنم به آن‌چه رسیده بودم و فکر می‌کردم مشکلات جدی فرهنگی است، رسیدگی کنم. ابتدا یکسری کارهای ناتمام از قبل مانده بود، تعهدهایی از قبل بود که باید انجام می‌دادیم. تا می‌خواستیم، برنامه‌های خودمان را شروع کنیم متأسفانه جنگ تحمیلی ۱۲ روزه پیش آمد و بازخوردها و پیامدهای جنگ کل برنامه‌ها را متوقف کرد. در شرایطی که برای کشور پیش آمده بود خیلی نمی‌توانستیم برنامه‌های خود را پیگیری کنیم اما کارها را رها نکردیم و سعی کردیم با آن کنار بیاییم. مطمئن بودیم شرایط بهتر می‌شود که بهتر هم شد و ان‌شاء‌الله بهتر هم خواهد شد و امیدواریم بتوانیم، روند کارها را ادامه دهیم. نمی‌گویم می‌خواهیم تحول بنیادی و اساسی ایجاد کنیم زیرا کاری نیست که صرفاً از معاونت فرهنگی برآید بلکه مجموعه دولت و موسسه‌های فرهنگی بیرون از دولت باید دست به دست هم دهند تا تحول اساسی در فرهنگ زیست اجتماعی تا فعالیت‌های فرهنگی داشته باشم. سعی می‌کنیم در آن‌چه به ما مربوط است، کم نگذاریم. به لحاظ اخلاقی اگر مسئولیتی را می‌پذیرید باید الزامات آن مسئولیت را انجام دهید. شروع جدیدی داریم و برنامه‌های جدیدی در راستای تکمیل آنچه فکر

چهره‌هنرمند

به بهانه تولد ۱۰۱سالگی نصرت کریمی

امید ذاکری‌نیا

گروه فرهنگ



روز اول دی ماه، صدویکمین سالگرد تولد نصرت کریمی، سینماگر و هنرمند ایرانی است. کریمی آذرماه سال ۱۳۹۸ و درحالی که ۹۵ سال داشت با کارنامه‌ای پربرار از دنیا رفت. نصرت کریمی یکی از آن دسته سینماگران و هنرمندانی است که پس از مرگ، بیش از دوران حیاتش، قدر دانسته شد. او که بازیگر تئاتر گروه نوشین بود و سپس برای آموختن عروسک‌گردانی به پراگ، پایتخت چکسلواکی سابق رفت، پیش از انقلاب و در خلال سال‌های ۵۰ تا ۵۱ تریلوزی کم‌دی‌های زناشویی‌اش را به نام‌های درشکه‌چی، محلل و تخت‌خواب سه‌نفره ساخت. البته که او پیش از آن، دست به خلق آثار انیمیشن در ایران هم زده بود اما در سینما و تلویزیون به‌عنوان بازیگر و کارگردان توسط عامه مردم شناخته می‌شد. خانه‌خراب که در سال ۱۳۵۴ ساخته شد و یک کم‌دی اجتماعی بود، آخرین فیلم سینمایی نصرت کریمی است. از سال ۱۳۵۷ به بعد هم هرچند یکی دو کار انیمیشن انجام داد اما در نهایت تنها حضور سینمایی‌اش، بازی در فیلم «جدایی نادر از سیمین» ساخته اصغر فرهادی بود. کریمی پیش از انقلاب در تلویزیون هم فعال بود. بازی او در سریال به‌یادماندنی دانی‌جان ناپلئون و در نقش پدر سعید، فراموش ناشدنی است. خودش در مستندی که سال گذشته از او منتشر شد، می‌گوید که ایرج پزشک‌زاد، نویسنده داستان دانی‌جان ناپلئون با دیدن او سر صحنه اعتراف می‌کند، این نقش را که براساس پدر خودش نوشته به‌خوبی توسط کریمی اجرا شده است. او سریال پیوند را هم در سال ۱۳۴۶ و خسرومیرزای دوم را در سال ۱۳۵۶ ساخت و تقریباً از صحنه محو شد.

مستند نصرت کریمی

بی‌تردید مستند «نصرت کریمی؛ هنرمند بودن در ایران» نقش مهمی در شناساندن این شخصیت مهم فرهنگی ایران به جامعه‌ای داشت که طی نزدیک به ۵۰ سال دوری‌اش از صحنه درآستانه فراموشی‌اش بود. جالب است بسیاری از کسانی که در زمان فعالیت





سال هشتم شماره ۲۱۴۵
سه‌شنبه ۲ دی ۱۴۰۴

گزارش: سینمای ایران

فیلم‌ها یا کتاب‌ها؛ جنگ اقتباس

به بهانه **بامداد خمار**، سریال جدید نرگس آبیار

باباسبجان» ساخته بود. صادق چوبک هم نسبت به ساخت فیلم تنگسیر از روی رمانش راضی نبود. ابراهیم گلستان در مصاحبه‌ای که سال ۱۳۹۴ در روزنامه شرق منتشر شد نیز ادعا کرد، تنگسیر را چوبک برای او نوشته و بعد امیر نادری از آن داستان یک فیلم «پرتی» درآورده است.

داستان‌های عامه‌پسند

هالیوود از سال‌های ابتدایی برای تهیه داستان، دست به گنجینه ادبیات داستانی جهان برده است و به جرأت می‌توان گفت، بخش مهمی از بهترین آثار سینمایی جهان از دل همین سبک فیلم‌های اقتباسی بیرون آمده‌اند. آلفرد هیچکاک یکی از ۵ غول تاریخ سینمای جهان در بسیاری از مواقع، داستان‌های عامه‌پسند و رمان‌های پرفروش را به‌عنوان متریال فیلم‌هایش در نظر می‌گرفت. استاد تعلیق سینما که مجموعه‌ای از تریلرهای روان‌شناختی برجسته، کمدهای تاریک و درام‌های جاسوسی را در کارنامه‌اش دارد، رمان‌های پرفروشی مانند ۳۹ پله، شک، روانی و غریبه‌ها در قطار را از رمان‌های اقتباس کرد که توسط برخی از بهترین نویسندگان نوشته شده بودند و اقتباس از آنها اکنون جزو بهترین آثار هیچکاک به‌حساب می‌آیند. مانند فیلم خرابکاری ۱۹۳۶ که براساس رمان مأثور مخفی، نوشته جوزف کنراد ساخته شد یا ربه‌کا که براساس رمانی از دافنه دوموریه به همین نام بود.

اقتباس‌های ایرانی

سریال بامداد خمار که اقتباسی از رمانی به همین نام است هنوز نتوانسته به اندازه نام کتاب برای خودش اعتبار کسب کند. کتابی که در مدت ۱۰ سال ۳۰۰ هزار نسخه فروخته شده در میوم تصویر نتوانسته در جذب مخاطب به چنین موفقیتی برسد. با این وجود نرگس آبیار تنها کارگردانی نیست که برای ساخت اثرش به سراغ رمان‌های پرفروش یا داستانی عامه‌پسند رفته است. طی سال‌ها در تاریخ سینمای ایران، فیلم‌های اقتباسی از این دست وجود داشته‌اند:

آب ۱۳۵۳: ساخته حبیب کلاوش براساس داستانی از احمد محمود. محمود معتقد بود که کلاوش، فیلم‌نویسته او را با ساخته‌اش، لوٹ کرده است.

آرامش در حضور دیگران ۱۳۳۹: ناصر تقوایی این فیلم را براساس داستان «واهمه‌های بی‌نام و نشان» غلامحسین ساعدی ساخته است.

امشب دختری می‌میرد ۱۳۴۸: این فیلم را مصطفی عالمیان براساس داستانی رسول ارونقی کرمانی ساخت.

جامه‌دران ۱۳۹۳ و چهل سالگی ۱۳۸۸: علیرضا رئیسیان، فیلم چهل سالگی را براساس رمانی از ناهید طباطبایی ساخت. همچنین حمید قبطی، کارگردان فیلم جامه‌دران آن را براساس داستانی از ناهید طباطبایی به همین نام ساخته است.

خاطرخواه ۱۳۵۱: یک داستان عامه‌پسند دیگر از رسول ارونقی کرمانی که توسط امیرشروان تبدیل به فیلم شد.

ملکوت ۱۳۵۳: رمان تأثیرگذار بهرام صادقی توسط خسرو هریتاش تبدیل به فیلمی به همین نام شد.

گاوخونی ۱۳۸۱: بهروز افخمی فیلم را براساس داستانی به همین نام از جعفر مدرس صادقی ساخت.

شوهر آهو خاتم ۱۳۴۷: داوود ملاپور این فیلم را براساس داستانی از علی محمد افغانی ساخته است.

سایه‌های بلند باد ۱۳۵۷: مسعود جعفری جوزانی این فیلم را براساس داستانی از هوشنگ گلشیری ساخته است.

ساحره ۱۳۷۶: داوود میرباقری فیلم ساحره را براساس داستان عروسک پشت‌پرده صادق هدایت ساخته است.

سینما و سریال‌سازی در ایران، سال‌ها با این اتهام از سوی منتقدان مواجه بود که با وجود ضعف مفرط در داستان‌پردازی، علاقه‌ای به اقتباس از آثار ادبی نشان نمی‌دهد. در واقع آن دسته از منتقدان به این نتیجه رسیده بودند که مشکل فیلم‌ها و سریال‌های ایرانی، فیلمنامه است و آثار ادبی می‌توانند، نقش نجات‌بخش ایفا کنند. البته طی سال‌های گذشته، بوده‌اند سینماگرانی مانند داریوش مهرجویی که اغلب برای ساختن فیلم به سراغ آثار ادبی ایرانی و خارجی رفته‌اند. او ۷ فیلمش را براساس داستان‌های ادبی ساخته و بی‌تردید یکی از مهم‌ترین فیلمسازان تاریخ سینمای ایران است. گاو (غلامحسین ساعدی- عزاداران بیل)، پستیچی (وویتسک- گئورگ پوشنر)، مدرسه‌ای که می‌رفتم (حیاط پشتهی مدرسه عدل آفاق- فریدون دوستدار)، سارا (خانه عروسک- هنریک ایبسن)، پری (فرنی و زوی و موزماهی- جی‌دی سلنجر)، مهمان مامان (هوشنگ مرادی کرمانی) و اشباح (هنریک ایبسن) فیلم‌هایی هستند که کارگردان فقید سینمای ایران براساس آثار ادبی ساخته است.

بامداد خمار

نرگس آبیار، کارگردان سینمای ایران که خودش رمان‌نویس است طی سال‌های اخیر از دو کتاب اسم و رسم‌دار ادبیات ایران برای ساخت سریال استفاده کرده است. سووشون نوشته سیمین دانشور و بامداد خمار براساس رمانی به همین نام، نوشته فتانه حاج‌سیدجوادی، دو سریالی هستند که به‌واسطه موضوع اقتباس بسیار مورد نقد و تحلیل قرار گرفتند. آیا نرگس آبیار در اقتباس از این دو کتاب پرطرفدار موفق بوده است؟ سووشون که نقدهای تندی از سوی علاقه‌مندان به آثار سیمین دانشور به خود دید و بامداد خمار که اکنون پیش آن ادامه دارد.

سینمای ایران و نویسندگان عصبانی

احمد محمود، عاشق سینما بود. البته او تنها نویسنده‌ای نبود که به هنر هفتم علاقه‌مند بود. در حوزه ادبیات ایران، نویسندگانی چون محمد جمال‌زاده، صادق هدایت، صادق چوبک، جلال آل‌احمد، ابراهیم گلستان، غلامحسین ساعدی، هوشنگ گلشیری، نادر ابراهیمی و محمود دولت‌آبادی، نویسندگانی هستند که با سینما رابطه خوبی داشتند. محمود درباره علاقه‌اش به سینما می‌گوید: «می‌خواستم سینماگر بشوم. سینما را خیلی دوست داشتم. اگر وضع بسامانی بود و یا من وضع بسامانی داشتم، بی‌تردید سینماگر می‌شدم. منتها کار سینما کار فردی نیست. کار گروهی است. کار دشواری است، آدم باید تعلیم ببیند، من در این فکر بودم که به خارج بروم، درش را بخوانم اما نشد. هزار سنگ پیش پای آدم هست که آدم را به جهت‌های مختلف می‌کشاند. این حس در من بود. این حس کار سینما در من بسیار زیاد بود. خلق، یعنی اظهار درون خود، وقتی آنجا نشد، جهت دیگری پیدا کرد. رفته به طرف نوشتن که فردی است و هزینه‌ای ندارد. حس هنری در من بیشتر به طرف سینما بود، خیلی‌ها به من می‌گویند در کارهایت، برش‌های سینمایی هست. شاید این برش‌های سینمایی همان حس و حال و روحیه‌ای است که من برای سینما داشتم و هنوز هم دارم. (احمد محمود، ماهنامه چیستا، بهمن ۱۳۸۱)

هرچند این نویسنده سرشناس به هیچ عنوان از فیلمی که بر پایه رمان او ساخته شد، راضی نبود و با ابراز ناراحتی از اتفاقی که برای داستانش افتاده بود، خواهان پاک شدن نامش از تیتراژ فیلم شد. اما این اولین و تنها درگیری نویسندگان و فیلمسازان نبوده است. محمود دولت‌آبادی را شاید بتوان اولین نویسنده‌ای دانست که نسبت به اقتباس داستانش توسط مسعود کیمیایی اعتراض کرد. کیمیایی فیلم «خاک» را براساس داستان «اوسنه



کمک کنیم.» جوادی درباره تجربه کار گروه توزیع کاغذ در دوره پیشین که تجربه چالش‌برانگیزی بود، می‌گوید: «هر کاری اشکالاتی دارد، به‌ویژه کارهایی که در حوزه اقتصادی و تخصیص چیزی باشد زیرا شاخص‌های مختلفی مطرح می‌شود. ما شنونده هستیم و در دوره قبل هم شنونده بودیم و در جایی که لازم بود مداخله می‌کردیم. در دوره قبل نهادهای نظارتی، روند تخصیص و توزیع کاغذ را بررسی کردند و این‌گونه نبود که بگویند این اشکال و ایراد یا تخلف وجود داشت. برخی می‌گفتند ما سند داریم اما در بررسی‌ها این‌طور نبود. من که عهده‌دار بررسی نبودم، نهادهای نظارتی در فاصله‌ای که دولت تغییر کرد، بررسی کردند و چیزی نبود که به صورت جدی به ما تذکر دهند که این تخلف بوده است یا به ما اطلاع ندادند. عتاً هم تجربه قبل را تکرار نخواهیم کرد، اصلاحاتی داریم. می‌خواهیم بر اساس واقعیت‌ها تصمیم بگیریم و فکته‌ها و واقعیتی مبنی بر این‌که تخلفی را نشان دهد، وجود نداشت. نمی‌گویم کار اشکالی نداشت، همه کارها اشکال دارد و اگر اشکال را ببینیم، تصحیح می‌کنیم.»

ممیزی را به چارچوب‌های قانونی نزدیک می‌کنیم

معاون فرهنگی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی درباره رویکرد خود به ممیزی آن هم در دنیای ارتباطات و دسترسی به اطلاعات گفت: «گاه بحث، نظری است. اینکه به لحاظ نظری الگوی ممیزی را مفید می‌دانید یا نه و اشکالات چیست؟ نه فقط درباره ممیزی بلکه درباره هر قانون دیگری می‌توان بحث کرد. آن‌چه مشی ما در معاونت فرهنگی است، این است که ضوابط قانونی الزامی هستند نه تفسیرها و ضوابط سلیقه‌ای. آن‌چه در قانون آمده بعضاً چارچوب اخلاقی درستی هم دارد؛ مثلاً مسائل اخلاقی و مسائل امنیت اجتماعی و اقوام. البته قانون افزوده‌هایی دارد که به مرور اضافه شده‌اند؛ مثلاً کسی قانون را تفسیر کرده است. تلاش داریم این ممیزی را به چارچوب‌های قانونی نزدیک کرده و از آیین‌نامه‌ها که بر اساس سلیقه هستند، دور کنیم. هرچند سلیقه‌ها هم‌چنان هم وجود دارد زیرا همان قانون با سلیقه افراد مختلف تدوین شده است.»

با این وجود اما در میان سینماگران موج نو سینمای ایران نیز چهره‌ای متفاوت و خاص به حساب می‌آید و همچون نت متفاوتی در یک ارکستر هماهنگ است. او برخلاف روند ایدئولوژیک آن وقت سینمای ایران که همواره نگاهی تلخ به رویدادها دارد، نگاهش شیرین و مملو از طنزی هوشمندانه، گزنده و تأثیرگذار است. او با وجود نقدهای تند و تیزی که نسبت به ارزش‌های وقت جامعه دارد اما زبان انتخابی‌اش کم‌دی است. با آنکه اوج حرفه کریمی در دهه ۵۰ است اما او چه پیش و چه پس از آن، دستت از کار ساخت انیمیشن که به آن عشق می‌ورزید، نکشید. کارهایی که شاید خیلی کم دیده شدند اما جایگاه محکمی در تاریخ هنر نمایش ایران خواهند داشت.

مثل آب روان

عباس جوانمرد، کارگردان مطرح و قدیمی تئاتر ایران درباره نصرت کریمی می‌گوید: «او مانند آب روان است» و همان‌طور که بابک کریمی، فرزند نصرت کریمی می‌گوید به این معناست: «نمی‌توان او را گرفت یا مهارش کرد و اگر محدودش کنی، راه خودش را پیدا خواهد کرد». بابک در گفت‌وگویی پس از انتشار فیلم مستند «نصرت کریمی: هنرمند بودن در ایران» درباره پدرش گفت: «او روح لطیفی داشت. به‌جای فرورفتن در غم، خودش را با کار سرگرم کرد. اصول فکری‌اش این بود که من دیروز به‌دنیا آمدم، امروز قرار است زندگی کنم و فردا قرار است بمیرم. پس امروز را باید زندگی کنم. هیچ‌وقت نمی‌گفت اگر این نشود، من بدبختم. می‌گفت این‌طوری می‌توانم مثبت و سازنده باشم با این چیزی که دارم. در هر شرایطی با آن چیزی که داشت، می‌ساخت. همیشه می‌پرسید: «الان چه دارم و با همین چه می‌توانم بسازم؟». عشق به گل‌کاری داشت و در گلخانه شروع کرد به پیوند زدن و کاکتوس‌ها آنقدر زیاد شدند که شد، منبع درآمدش. برای روح و روانش، شب‌ها بعد از شام مجسمه می‌ساخت. کلاس گریم می‌گذاشت. مثل آب روان خودش را به مظهر می‌سپرد. واقعاً خودش را با شرایط جدید سریعاً تطبیق می‌داد و این رمز موفقیت نصرت کریمی بود. کسی که در زندان کلاس سینما و کلاس تعبیر خواب می‌گذازد تا به زندانی دیگر کمک کند و امید دهد این نشانگر شخصیت اوست. کسی که نمی‌دانست فردا زنده است یا نه، به دیگران بذر زندگی هدیه می‌داد.»

به نظر می‌آید یکی از چالش‌ها این است. اگر چرخه درست کار کند. خیلی از جوانان که درگیر نویسندگی، کار نشر و کار فرهنگی هستند می‌توانند بهتر کار کنند. شاید تجارت‌های عجیب و سودآور در حوزه فرهنگ نشود و نمی‌خواهم بگویم اشکالی دارد یا نه، عملاً امکان‌ش وجود ندارد اما این‌که چرخه خوبی از نظر اقتصادی راه بیفتد و بتوانیم به حد مطلوبی برسایم، می‌تواند کمک کند.»

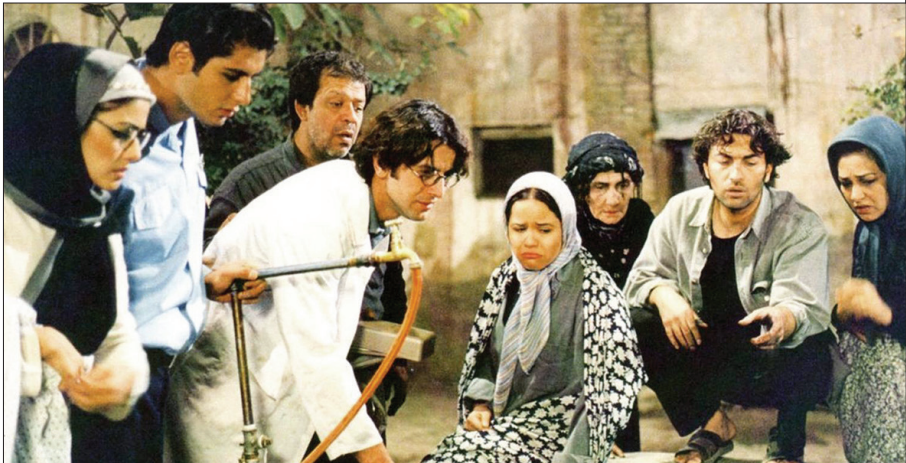
قیمت کاغذ نگران‌کننده است

معاون فرهنگی وزارت ارشاد همچنین درباره مسأله کاغذ، از واردات کاغذ و موضعش درباره حمایت از تولید داخلی نیز گفت: «درست است که نشر دیجیتال شکل گرفته اما اساس نشر کاغذ است و همیشه باید فکری برای آن کنیم. در دولت گذشته یک مورد کاغذ نشر، ثبت سفارش شده بود که این کاغذ به دست ما نرسیده است، اندازه و حجم سفارش هم زیاد است. امیدوارم این کاغذها در اختیار ما قرار بگیرد و با توزیع آن بتوانیم در بازار تأثیر بگذاریم. درباره کاغذ باید کیفیت، کمیت و قیمت به گونه‌ای باشد که تولید آن ارزش داشته باشد. در سه-چهار سال گذشته این مسیر نتوانسته به نتیجه برسد. البته این به این معنا نیست که نمی‌خواهیم از تولیدکننده داخلی حمایت کنیم. یکی از اولویت‌های ما تولید کاغذ داخلی است اما اشکالاتی وجود دارد که در اختیار ما نیست. قیمت کاغذ نگران‌کننده است و هم‌چنان اضافه می‌شود. دولت برای ایجاد توازن تصمیم گرفت مقداری ارز مبادله‌ای برای واردات کاغذ نشر در نظر بگیرد و رقمی را تخصیص داده‌اند. مقدمات کار انجام شده و ثبت سفارش را شروع کردند و ظرف یکی دو ماه آینده واردات خواهیم داشت. البته بخشی از کاغذها در آستانه ترخیص هستند و اگر بتوانیم کار ترخیص را انجام دهیم، می‌توانیم طبق تجربه‌ای که از قبل داشتیم، کاغذها را بین ناشران توزیع کنیم که هم مقداری نیاز ناشران را مرتفع می‌کند و هم می‌تواند بر قیمت کاغذ تأثیر بگذارد. اما این‌که به صورت کامل نیاز کشور را بر روی تولید کاغذ داخلی سرمایه‌گذاری کنیم این‌طور نیست و بخشی را می‌توانیم، سرمایه‌گذاری کنیم. این چیزی نیست که تحمیل کنیم باید اتفاق بیفتد و این اتفاق افتادن، مقدماتی دارد و ما در این مقدمات می‌توانیم

نصرت کریمی هنوز به‌دنیا نیامده بودند با دیدن این مستند که روایتی صادقانه و صریح از او بود به کریمی علاقه‌مند شدند و شاید امروز او در سرلیست هنرمندان و شخصیت‌های محبوب‌شان باشد. هرچند پیش از آن انتشار ویدئوی رقص پراحساس او در محفل هنرمندانی چون همایون خرم و جهانگیر ملک نیز در فضای مجازی ویرال شده و بار دیگر حضور و ارزش او را یادآور شده بود.

مورد عجیب نصرت کریمی

سینمای موسوم به موج نو در ایران از اواخر دهه ۴۰ ش‌ش شکل گرفت و نصرت کریمی یکی از چهره‌های شاخص این موج سینمایی است. او در میان گروهی از کارگردانان موج نو سینمای ایران، دسته‌بندی می‌شود که فیلم‌هایش با وجود جلب علاقه نسبی مخاطب اما با دوری از فضای تجاری زمانه و براساس خواست‌ها و ایده‌های هنری‌اش ساخته شده‌اند.



شعله‌های فقر

سالانه ۳۰۰ هزار نفر در کشور دچار سوختگی می‌شوند



گروه اجتماعی: اول دی ماه در تقویم‌های غیررسمی به‌عنوان «روز پیشگیری از سوختگی» شناخته می‌شود؛ اما در واقعیت اجتماعی ایران، این روز بیش از آنکه نماد پیشگیری باشد، یادآور یک بحران عمیق و مزمن است. سالانه حدود ۳۰۰ هزار نفر در کشور دچار سوختگی می‌شوند؛ آماري که ایران را با نرخی حدود ۸ برابر میانگین جهانی در جایگاهی نگران‌کننده قرار داده است. این ارقام نشان می‌دهند که سوختگی در ایران صرفاً یک حادثه اتفاقی نیست بلکه نشانه‌ای از ناکارآمدی ساختاری، فقر گسترده و ترجیح درمان بر پیشگیری در سیاستگذاری عمومی است. برخلاف تصور رایج، بخش عمده سوختگی‌ها نه در حوادث صنعتی بزرگ بلکه در ساده‌ترین فضاها یعنی خانه‌ها رخ می‌دهد. آشپزخانه‌های ناپایمن، بخاری‌های غیراستاندارد و سسماورهای واژگون، بیشترین قربانیان خود را از میان کودکان زیر ۶ سال می‌گیرند. کودکانی که آینده‌شان پیش از آنکه شکل بگیرد، در شعله‌های فقر ایمنی می‌سوزد. این واقعیت، پیوند مستقیم سوختگی با فقر را آشکار می‌کند؛ به‌گونه‌ای که سوختگی در ایران عملاً به «بیماری فقر» تبدیل شده است. در مناطق محروم و حاشیه‌نشین، استفاده از وسایل گرمایشی غیراستاندارد، گازکشی‌های ناپایمن و فضای فیزیکی محدود احتمال بروز سوختگی را به‌طور چشمگیری افزایش می‌دهد.

ادامه تیتربک

قاچاق داروهای ایران

قاچاق دارو تنها به کمبود فیزیکی منجر نمی‌شود؛ بلکه بنیان اعتماد عمومی را هدف می‌گیرد. بیمار وقتی می‌بیند دارویی که در داروخانه «نیست»، در بازار آزاد «هست»، این پیام را دریافت می‌کند که بحران نه حاصل تحریم یا کمبود تولید، بلکه نتیجه توزیع ناعادلانه و سیاستگذاری ناکارآمد است. تا زمانی که اصلاحات ساختاری در قیمت‌گذاری، شفافیت زنجیره تأمین و نظارت هوشمند انجام نشود، قاچاق دارو نه مهار می‌شود و نه استثنا باقی می‌ماند؛ بلکه به قاعده‌ای نانوشته در بازار درمان تبدیل خواهد شد.

ماجرای قاچاق

در ادبیات رسمی دولت و وزارت بهداشت، قاچاق معکوس دارو به کشورهای همسایه، همواره به‌عنوان مقصر اصلی ناپایی معرفی می‌شود. واقعیت میدانی نشان می‌دهد که به دلیل تفاوت فاحش قیمت ریالی دارو با نرخ‌های دلاری در عراق، افغانستان و اقلیم کردستان، قاچاق دارو به یک تجارت پرسود تبدیل شده است. دلالتان با استفاده از خلأهای نظارتی، داروهایی را که با ارز یارانه‌ای تأمین شده‌اند، از شبکه رسمی خارج و به آن سوی مرزها می‌فرستند. اما تقلیل دادن بحران به قاچاق، یک فرار رو به‌جلو است.

قاچاق معکوس در واقع «معلول» است، نه «علت». این پدیده، میوه تلخ نظام چندنرخ‌سی ارز و اصرار بر قیمت‌گذاری دستوری است که هیچ تناسبی با واقعیت‌های تورمی ندارد. تا زمانی که قیمت یک دارو در تهران، یک‌دهم کابل باشد، هیچ دیواری در مرز، مانع خروج آن نخواهد شد. مشکل اصلی اینجاست که دولت به‌جای اصلاح ساختاری و استقرار کامل پرونده الکترونیک سلامت که می‌تواند مسیر هر دانه قرص را رصد کند، تنها به هشدارهای پلیسی بسنده کرده است. سامانه «تیتک» که قرار بود ناجی شفافیت باشد، بدون اتصال به نظام ارجاع و پزشک خانواده، تنها یک بانک اطلاعاتی ناتمام است که سوراخ‌های بزرگی برای نشت دارو دارد.

دارویار؛ جراحی بدون بیهوشی

طرح «دارویار» که با هدف حذف رانت ارزی و انتقال یارانه به انتهای زنجیره (بیمه‌ها) کلید خورد، اکنون به یک بن‌بست کامل نقدینگی رسیده است. فلسفه طرح این بود که ارز ترجیحی حذف شود تا فساد از بین برود و مابه‌التفاوت آن از طریق بیمه‌ها به بیمار برگردد. اما در

عمل، آنچه اتفاق افتاده، «نسیه‌خواری» دولت از جیب تولیدکننده است. مطالبات زنجیره تأمین دارو، شامل شرکت‌های تولیدی و پخش از مراکز دولتی به عدد وحشتناک ۱۵۷ همت رسیده است. این عدد به زبان ساده یعنی صنعت داروسازی ایران در حال «خودخوری» است. تولیدکننده مواد اولیه را با نقدینگی بالا و ارز گران می‌خرد، اما برای دریافت پول فروش خود، باید بیش از یک سال صبر کند. گزارش‌های بورس در آبان و آذر امسال نشان می‌دهد که جهش درآمدی شرکت‌هایی نظیر «کارخانجات داروپخش» یا «لابراتوار عبیدی»، نه ناشی از فروش بیشتر، بلکه نتیجه «تورم اجباری» و گران شدن قیمت‌هاست. در واقع، سود این شرکت‌ها کاغذی است و انبارهایشان به دلیل نبود نقدینگی برای بازسازی ذخایر استراتژیک، خالی‌تر از همیشه شده است. رئیس سازمان غذا و دارو نیز صراحتاً از محدودیت‌های شدید ارزی پرده برداشته و اعلام کرده که تنها بخشی از منابع مالی مصوب محقق شده است؛ موضوعی که نشان می‌دهد سازمان برنامه و بودجه، عملاً اولویتی برای دارو قائل نیست.

بیمه‌ها؛ حلقه مفقوده حمایت با شر یک جرم؟

یکی از بزرگترین ضربه‌ها به اعتماد عمومی، عملکرد سازمان‌های بیمه‌گر بوده است. قرار بود افزایش قیمت دارو توسط بیمه‌ها پوشش داده شود تا جیب بیمار آسیب نبیند، اما امروز بیمارانی که به داروخانه مراجعه می‌کنند با واقعیتی تلخ روبه‌رو می‌شوند: «خارج از تعهد بیمه». بسیاری از اقلام حیاتی، به‌ویژه داروهای آهن‌زدا و مکمل‌های ضروری برای بیماران خاص، از شمول حمایت‌های بیمه‌ای خارج شده‌اند یا فرانشیز آنها به شکلی صعودی افزایش یافته است.

بیمه‌های تکمیلی نیز به بهانه ناترازی مالی، زیر بار هزینه‌های سنگین داروهای خاص نمی‌روند. این وضعیت باعث شده که بیمار نه‌تنها با ناپایی دارو، بلکه با «گران‌فشانی» سیستماتیک روبه‌رو شود. وقتی بیمه سهم خود را نمی‌پردازد و دولت بدهی‌اش را به بیمه نمی‌دهد، آخرین حلقه زنجیره یعنی بیمار، تمام فشار تورم ۲۰ تا ۳۰ درصدی دارو را تحمل می‌کند.

این دقیقاً همان نقطه‌ای است که مدیریت وزارت بهداشت در تأمین منابع مالی شکست خورده است؛ چراکه نتوانسته وزن خود را در هیئت دولت برای اجبار سازمان‌های بیمه‌گر و بودجه‌ریز به انجام تعهداتشان تثبیت کند.

وزارت بهداشت؛ از مدیریت علمی تا مدیریت بحران زده
ساختار مدیریتی وزارت بهداشت در دولت فعلی، بیش از آنکه بر پیشگیری و رگول‌توری متمرکز باشد، به یک نهاد «آتش‌نشان» تبدیل شده که تنها پس از سوختن مخازن دارویی، به فکر چاره می‌افتد. منتقدان معتقدند که این وزارتخانه در تعامل با صنعت داروسازی، سیاست «سرکوب قیمت» را در پیش گرفته که نتیجه‌ای جز توقف خطوط تولید یا کاهش کیفیت دارو ندارد. ممنوعیت واردات داروهای خارجی که مشابه داخلی دارند، بدون در نظر گرفتن ظرفیت واقعی تولید داخل و نوسانات نقدینگی، باعث شده که وقتی کارخانه داخلی به دلیل نبود ارز متوقف می‌شود، هیچ جایگزینی در بازار وجود نداشته باشد.

از سوی دیگر، ضعف نظارت بر زنجیره توزیع به دلایلم رسمی دامن زده است. گزارش‌های متعددی وجود دارد که داروهای سهمیه‌ای از داروخانه‌های دولتی و خاص سردرآورده و با قیمت‌های گزاف در بازار سیاه فروخته می‌شوند. این یعنی نظارت دانشگاه‌های علوم پزشکی بر داروخانه‌ها و شرکت‌های پخش، صوری و ناکارآمد است. وزارت بهداشت به‌جای تقویت نظارت‌های فنی و سیستمی، به صدور بخشنامه‌هایی بسنده کرده که در آشفتنگی فعلی بازار، خریدار ندارند.

پایان ذخایر استراتژیک

آمارهای رسمی حکایت از آن دارد که ذخیره بسیاری از داروهای حیاتی و تجهیزات پزشکی به زیر دو ماه رسیده است. این یعنی هرگونه اختلال کوچک در ترخیص از گمرک یا انتقال ارز در دی‌ماه، می‌تواند به یک فاجعه در اسفندماه ختم شود. در حالی‌که تولید در آبان‌ماه رشد ۲۰ درصدی داشته، اما این تولید به دلیل همان کلاف سردرگم بدهی‌ها، به بازار تزریق نمی‌شود یا در انبارهای پخش رسوب می‌کند تا با قیمت‌های جدید عرضه شود.

بحران دارویی ایران نه صرفاً یک مشکل اقتصادی، بلکه یک بحران مدیریتی و اخلاقی است. تقلیل دادن همه‌چیز به قاچاق یا تحریم، توهین به شعور جامعه‌ای است که می‌بیند داروی نایاب در بازار سیاه ناصرخسرو با بسته‌بندی رسمی موجود است اما در داروخانه نه. دولت و مجلس باید درک کنند که امنیت دارویی، بخشی از امنیت ملی است. حذف حمایت‌های دارویی و بی‌توجهی به نقدینگی صنعت، در حال تبدیل کردن درمان به یک کالای لوکس است که تنها طبقات مرفه قادر به تأمین آن هستند.

دیدگاه

آیین‌ه عدالت و نظم اجتماعی

حقوق شهروندی در آیین‌ه کرامت انسانی و حاکمیت قانون



فهیمة فتحی

عضو شورای استان گیلان
حزب کارگزاران سازندگی ایران

حقوق شهروندی در ایران، مفهومی برآمده از بستر فرهنگی، دینی و حقوقی جامعه ایرانی-اسلامی است و نمی‌توان آن را صرفاً محصول نظام‌های حقوقی مدرن غرب دانست. در اندیشه اسلامی، انسان موجودی صاحب کرامت ذاتی است و حیات، حیثیت و حقوق او موضوع عنایت الهی قرار دارد. از همین منظر، حقوق شهروندی در نظام جمهوری اسلامی ایران، تنها به حقوق سیاسی یا اداری محدود نمی‌شود بلکه مجموعه‌ای از حقوق بنیادین مدنی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی را در بر می‌گیرد که در چارچوب قانون اساسی و نظم عمومی تضمین شده‌اند. مفهوم حقوق شهروندی در نظام حقوقی ایران ناظر بر همه افرادی است که در قلمرو سرزمینی کشور زندگی می‌کنند و تابع نظم حقوقی آن هستند؛ بدون تفکیک براساس دین، جنسیت یا قومیت. اصل بیستم قانون اساسی به‌روشنی تأکید می‌کند که همه افراد ملت، زن و مرد، در حمایت قانون قرار دارند و از حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی برخوردارند، مشروط بر رعایت موازین اسلامی. بدین ترتیب، حقوق شهروندی بر پایه عدالت، قانونمداری و حفظ نظم اجتماعی تعریف می‌شود نه بر مبنای امتیازهای تبعیض‌آمیز.

حقوق شهروندی را می‌توان بازتابی از نسل‌های مختلف حقوق بشر دانست؛ از حقوق مدنی و سیاسی مانند آزادی بیان، امنیت فردی، برابری در برابر قانون و حق دادخواهی تا حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی همچون حق اشتغال، تأمین معیشت شرآتمندانه و دسترسی عادلانه به خدمات عمومی. در عین حال، در منطق اسلامی، حق حیات به‌عنوان زیربنایی‌ترین حق انسانی، اساس همه این حقوق به شمار می‌رود. قرآن کریم سلب جان انسان بی‌گناه را هم‌سنگ با قتل همه بشریت می‌داند و پاسداشت آن را شرط قوام جامعه عادلانه معرفی می‌کند.

مدیریت شهری یکی از مهم‌ترین عرصه‌های تحقق عینی حقوق شهروندی است. قانونمندی در تصمیم‌گیری‌های شهری، شفافیت عملکرد شوراها و شهرداری‌ها، مشارکت آگاهانه مردم در طرح‌های عمومی و توزیع عادلانه خدمات شهری همگی شاخص‌های عملی حقوق شهروندی به‌شمار می‌آیند. در این میان شهروند نیز در کنار بهرمندی از حقوق خود، مسئولیت رعایت قانون و صیانت از منافع عمومی را برعهده دارد.



سال هشتم شماره ۲۱۴۵
سه شنبه ۲ دی ۱۴۰۴

آگهی قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمانهای فاقد سند

رسمی حوزه ثبتی شهرستان ساری

برابر رای شماره ۲۷۳۱۳/۴۵۶۰۳۱۰۴۶۰۱۴۰۴ مورخ ۲۷/۰۷/۱۴۰۴ که در هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی منطقه ۲ ساری تصرفات مالکانه اسلام ادبی فیروزجائی فرزند گل برابر به شماره ملی ۲۰۶۰۳۰۹۰۷۷ نسبت به ششدانگ یک قطعه باغ به مساحت ۳۰۴,۵۵ مترمربع قسمتی از پلاک ۱۱- اصلی واقع درقریه فیروزکنده بخش ۵ ثبت ساری لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند.بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

شناسه آگهی: ۲۰۶۶۴۰۲

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۹/۱۷

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۱۰/۰۲

پنهام سراج پور

مدیر واحد ثبتی حوزه ثبت ملک منطقه دو ساری

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان تهران

اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک تهرانپارس

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳

آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۹۷۰۴۱۷۹۰۳۱۰۴۶۰۳۰۱۴۰۴ مورخ ۲۲/۰۷/۱۴۰۴ در خصوص پرونده کلاسه ۱۰۷۹۰۰۰۹۰۷/۱۴۴۰۱۴۴۰۳۱۱۴۰۴ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک تهرانپارس تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای جانعلی صیامی الوارس به شناسنامه شماره ۳۴۶۰ کد ملی ۶۰۳۸۴۷۴۶۷۶ متولد ۱۳۴۱ صادره نیر فرزند یوسف نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی در آن به مساحت ۱۶۷/۰۴ متر مربع که مقدار ۵۷/۷۲ متر مربع آن از پلاک ثبتی ۱۳۱۹ فرعی از ۹۲ اصلی و مقدار ۱۰۹/۳۲ متر مربع دیگر آن از پلاک ثبتی ۱۳۲۳ فرعی از ۹۲ اصلی واقع در تهران بخش ۱۱ حوزه ثبت ملک تهرانپارس خریداری در ازای سهم مشاعی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۹/۱۷

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۱۰/۰۲

رضا النجری- رئیس ثبت اسناد و املاک تهرانپارس

شناسه آگهی ۲۰۶۴۹۹۴

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان تهران

اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک تهرانپارس

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳

آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۹۶۰۴۱۷۹۰۳۱۰۴۶۰۳۰۱۴۰۴ مورخ ۲۲/۰۷/۱۴۰۴ در خصوص پرونده کلاسه ۱۰۷۹۰۰۰۹۰۶/۱۴۴۰۱۴۴۰۳۱۱۴۴۰۳۱۱ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک تهرانپارس تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای ابوالفضل معصومی به شناسنامه شماره ۱۴۲۹ کد ملی ۰۰۵۲۰۰۳۰۸۶ متولد ۱۳۴۵ صادره تهران فرزند معصومعلی نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی در آن به مساحت ۱۹۵.۲۶ متر مربع که مقدار ۶۵/۶۷ متر مربع آن از پلاک ثبتی ۱۳۱۹ فرعی از ۹۲ اصلی و مقدار ۱۲۹/۵۹ متر مربع دیگر آن از پلاک ثبتی ۱۳۲۳ فرعی از ۹۲ اصلی واقع در تهران بخش ۱۱ حوزه ثبت ملک تهرانپارس خریداری در ازای سهم مشاعی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۹/۱۷

رضا النجری- رئیس ثبت اسناد و املاک تهرانپارس

شناسه آگهی ۲۰۶۵۰۰۱

آگهی

شناسه آگهی: ۲۰۷۳۰۸۲

نوبت دوم



شرکت ملی نفت ایران

مشخصات مناقصه:

نام مناقصه گزار	شماره تقاضا/ مناقصه	شرح تقاضا	شماره فراخوان	مبلغ برآورد (یورو)	مبلغ تقسیم(یورو)
شرکت ملی حفاری ایران	۰۱-۲۲-۴۲۷۰۲۱ FP(1)-۲۱/۱۳۸	P/F CATERPILLAR EQUIPMENT	۲۰۰۴۰۹۳۹۵۰۰۰۹۹۹	۱,۰۹۳,۳۶۵	۴۸,۶۵۲
روش ارزیابی: بر اساس کسب حداقل امتیاز مربوط به معیارهای موجود در اسلعلام های ارزیابی کیفی که توسط متقاضیان شرکت در مناقصه تکمیل می شود.انجام می گردد.(حداقل امتیاز ۵۰)					
تاریخ شروع دریافت: توزیع اسناد از یک روز پس از چاپ آگهی نوبت دوم آغاز شده و تا ۱۰ روز پس از آن ادامه خواهد داشت. تاریخ شروع: (از ۱۴۰۴/۱۰/۱۳ لغایت ۱۴۰۴/۱۰/۱۴)					
آخرین مهلت ۱۴ روز پس از آخرین روز دریافت اسناد: (از ۱۴۰۴/۱۰/۲۰)					
انواع تقاضامین قابل قبول: ضمانتنامه بانکی و یا ضمانتنامه های صادره از سوی موسسات اعتباری غیر بانکی دارای مجوز فعالیت از بانک مرکزی اصل فیش واریز وجه نقد به حساب شماره ۰۲۷۷۶۶۲۶۰۰۱۱۱۴۰۰ نزد بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران تحت عنوان تمرکز وجوه سپرده شرکت ملی حفاری ایران (شماره شبا ۰۲۷۷۶۶۲۶۰۰۲۷۷۶۶۲۶۰۰۱۱۱۴۰۰ IR) سایر تضمین های معتبر در آیین نامه تضمین معاملات دولتی به شماره ۵۰۶۵۹ ت / ۱۳۳۲۰۲ مورخ ۹۲/۰۹/۱۳ مورد قبول و پذیرش می باشد. (به اطلاع می رسد ارائه ضمانتنامه صادره از بانک پاسارگاد و سپه مورد پذیرش نخواهد بود.)					
تذکر ه تحویل اسناد به شرکت: سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به نشانی www.setadiran.ir واصل ضمانت نامه به آدرس اهواز- بلوار پاسداران بالاتر از میدان فرودگاه- شرکت ملی حفاری ایران - ساختمان پایگاه عملیاتی - طبقه اول پارت B - اتاق ۱۰۷- دبیرخانه کمیسیون مناقصات - شماره تماس: ۲۴۱۴۸۵۶۹-۲۴۱۴۸۵۸۰-۰۶۱-					

- کلیه مراحل برگزاری مناقصه از دریافت اسناد مناقصه تا ارائه پیشنهاد مناقصه گران و بازگشایی پاکت ها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد
- کانال های اطلاع رسانی شرکت ملی حفاری ایران www.nide.ir http://sapp.ir/nide_pr

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۱۰/۰۱

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۱۰/۰۲

شرکت ملی حفاری ایران – اداره تدارکات خارجی کالا

نوبت دوم

آگهی تجدید مناقصه عمومی یک مرحله ای شهرداری آکند (شهرستان ساری)

شماره فراخوان ۲۰۰۴۱۰۲۶۷۸۰۰۰۰۰۳

۱- موضوع پیمان: اجرای آسفالت معابر فرعی شهر آکند ۱۴۰۴.

۲- مبلغ پیمان: ۳۲,۸۷۴,۵۶۴,۶۴۰ ریال.

۳- طرح غیر عمرانی می باشد.

۴- مدت پیمان: ۲ ماه

۵- نشریه ۴۳۱۱ شرایط عمومی پیمان به همراه شرایط خصوصی بر این پیمان حاکم می باشد.

۶- برآورد بر اساس فهرست بهای پایه رشته راه، ر، آهن و باند و فرودگاه سال ۱۴۰۴ سازمان برنامه و بودجه کشور تهیه گردید.

۷- تأمین اعتبار از محل منابع داخلی سال ۱۴۰۴ و منابع تملک دارایی و سرمایه ای و اعتبارات دولتی می باشد.

۸- کارفرما و بهره بردار شهرداری آکند می باشد.

۹- برآورد و نظارت بر عهده شرکت مشاور طرف قرارداد باشهرداری (شرکت آذررهاب خزر) و واحد عمرانی شهرداری آکند می باشد.

۱۰- شهرداری در رد یا قبول پیشنهادات مختار است.

۱۱- متقاضیان محترم جهت دریافت اسناد و ارائه قیمت به سامانه ستاد ایران مراجعه نمایند.

۱۲- ثبت نام در سامانه ایلاخ الکترونیکی قوه قضائیه توسط پیشنهاد دهندگان جهت شرکت در استعلام الزامی می باشد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۹/۲۵

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۱۰/۰۲



۱۳- متقاضیان محترم جهت شرکت در مناقصه می بایست مبلغ ۱,۶۴۲,۷۷۷,۳۳۲ ریال را به حساب شماره ۱۱۵۵۳۹۵۶۸۰۰۴ بنام حساب سپرده شهرداری آکند نزد بانک ملی به عنوان ضمانت نامه شرکت در مناقصه بصورت واریز به حساب و یا بصورت ضمانت نامه بانکی و ارائه فیش بانکی به واحد حسابداری شهرداری با ارسال پاکت (الف) اقدام نمایند. بدیهی است عدم ارائه ضمانت نامه تعیین شده در زمان بازگشایی پاکتها به منزله رد پیشنهاد می باشد.

۱۴- برنامه زمانی مناقصه: زمان انتشار آگهی در نوبت اول ۱۴۰۴/۰۹/۲۵ و در نوبت دوم ۱۴۰۴/۱۰/۰۲ می باشد.

بازه زمانی دریافت اسناد به صورت الکترونیکی (از طریق سامانه ستاد ایران) از ۱۴۰۴/۰۹/۲۵ لغایت ساعت ۱۴:۳۰ مورخ ۱۴۰۴/۱۰/۰۲ می باشد. مهلت قبول پیشنهادها لغایت مورخ ۱۴۰۴/۱۰/۱۴ ساعت ۱۴:۳۰ می باشد.

جلسه بازگشایی پاکتها ساعت ۱۴:۳۱ مورخ ۱۴۰۴/۱۰/۱۴ می باشد.

۱۵- پیشنهاد دهندگان حقیقی و حقوقی می بایست دارای رتبه معتبر رشته راه و ظرفیت خالی از سازمان مدیریت و برنامه و بودجه باشند.

۱۶- باتوجه به اینکه مصالح قیر مورد استفاده در تهیه آسفالت که از سوی شهرداری تأمین می گردد نزد شرکت کارخانه آسفالت کنج سازه دنخ واقع در ساری شهرک صنعتی شماره یک قرار دارد برنده مناقصه ملزم به خرید آسفالت با قیمت مصوب اتحادیه از شرکت فوق می باشد. ضمناً به هیچ عنوان امکان واگذاری و جایجایی قیر به برنده وجود ندارد و فقط برنده میتواند با خرید و تهیه آسفالت با شرایط ذکر شده اقدام نماید.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۹/۲۵

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۱۰/۰۲

سید باقر عابدینی – شهردار آکند

آگهی فقدان سند مالکیت پلاک ثبتی ۸۲۳۳ فرعی از ۳ اصلی

مالکیت آسیه / گل افشار فرزند فضل اله شماره شناسنامه ۳ تاریخ تولد ۱۳۲۴ دارای شماره ملی ۰۴۵۱۸۳۲۷۵۰۴ با جز سهم ۳ از کل سهم ۶ بعنوان مالک سه دانگ مشاع از شش دانگ با شماره مستند مالکیت ۸۲۴۲ تاریخ ۱۳۹۰/۰۲/۱۱ برابر دفتر املاک جلد ۲۶۸ صفحه ۲۰۹ شماره ثبت ۲۲۷۵۳ موضوع سند مالکیت اصلی بشماره چاپی ۷۲۱۸۱۶ سری الف سال ۸۹ ثبت گردیده است.

لذا با توجه به اعلام نامبرده و فقدان سند مالکیت بعلت سهل انگاری و درخواست صدور سند مالکیت المثنی، در اجرای تبصره یک ذیل ماده ۱۲۰ آئین نامه قانون ثبت در یک نوبت آگهی می شود تا چنانچه کسی مدعی انجام معامله نسبت به ملک مرقوم غیر از اسناد فوق و یا وجود سند مالکیت مذکور نزد خود باشد از تاریخ نشر این آگهی ظرف مدت ۱۰ روز به این منطقه مراجعه و اعتراض خود را ضمن ارائه اصل سند مالکیت یا سند معامله تسلیم و رسید دریافت نمایند تا مورد رسیدگی قرار گیرد به اعتراض بدون ارایه اصل سند مالکیت ترتیب اثر داده نخواهد شد. پس از انقضای مهلت مزبور و نرسیدن واخواهی نسبت به صدور سند مالکیت المثنی طبق مقررات اقدام خواهد شد.

سرپرست واحد ثبتی حوزه ثبت ملک زیبادشت تهران – محمد علی ابراهیمی

شناسه آگهی ۲۰۷۶۷۳۹

شناسه آگهی: ۲۰۷۷۲۹۹

نوبت اول

آگهی مناقصه عمومی یک مرحله ای توأم با ارزیابی کیفی فشرده

(شماره فراخوان ۲۰۰۴۰۰۱۱۰۵۰۰۰۲۶۹)

مناقصه گزار: شرکت خطوط لوله و مخابرات نفت ایران – منطقه خوزستان

موضوع مناقصه: تعمیرات اساسی خطوط برق اختصاصی ۵۰۸۲ و ۵۰۹۲ مرکز انتقال نفت نظامیه
مبلغ برآورد مناقصه: ۷۸/۸۸۴/۷۶۷/۳۰۱ ریال

۱- محل و مکان اجرای کار: اهواز- مسیر خط برق ۵۰۸۲ و ۵۰۹۲ مابین مرکز انتقال نفت نظامیه و چمران
۲- مدت اجرای کار: ۱۸۰ روز

۳- نام دستگاه نظارت: تعمیرات برق منطقه خوزستان

۴- قیمت ها متناسب با کالای ساخت داخل با لحاظ کیفیت ارائه گردد.

۵- روش ارزیابی مالی براساس دستورالعمل ارزیابی مالی و فرایند قیمت متناسب در مناقصات صنعت نفت به شماره ۲۰/۱۵۰۰۰۴۱۰۰۴۳۱ مورخ ۱۴۰۴/۰۴/۳۱ میباشد.

نوع و مبلغ تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار:

مبلغ ۳/۹۴۴/۲۳۸/۳۶۵ ریال بصورت یک یا ترکیبی از ضمانت نامه های مندرج در بند های الف، ب، پ، ج، ج، خ، مده ۱۴ آیین نامه تضمین معاملات دولتی به شماره ۵۰۶۵۹/۱۲۳۴۰۲ مورخ ۱۳۹۴/۹/۲۲ هیأت محترم وزیران (غیر از بانک های پاسارگاد و سپه) می باشد. همچنین تضمین وجه نقد می بایست به شماره شبا ۰۲۱۵۹۷۱۳۰۰۴۶۸۷۱۳۰۰۴۱۰۰۰۰۴۰۱ IR بانک مرکزی واریز گردد. ضمناً تاکید می گردد میبایست ضمانتنامه یا رسید واریز وجه نقد در سامانه بازگذاری گردد.

- درج کد اقتصادی و شناسه ملی جهت اشخاص حقوقی در پیشنهاد قیمت مندرج در سامانه ستاد الزامی میباشد.

- دارا بودن و بازگذاری گواهینامه صلاحیت پیمانکاری معتبر از سازمان برنامه و بودجه کشور در رشته نیرو با حداقل پایه پنج در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) الزامی می باشد.

- تکمیل فرم خوداظهاری ظرفیت آزاد پیمانکاران و بازگذاری در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) و انطباق اطلاعات درج شده در آن با سامانه اساجار و پایگاه اطلاعات قراردادهای کشور الزامی می باشد.

زمان و نحوه دریافت اسناد ارزیابی کیفی و مناقصه از سامانه:

شرکت کنندگان مهلت دارند تا ساعت ۱۴:۰۰ مورخ ۱۴۰۴/۱۰/۱۵ با مراجعه به سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به نشانی www.setadiran.ir نسبت به دریافت اسناد اقدام نمایند.

لازم به ذکر است کلیه مراحل برگزاری مناقصه از فرخوان تا انتخاب برنده از طریق سایت مزبور انجام خواهد شد و لازم است مناقصه گران در صورت عدم عضویت قبلی در سامانه ستاد، نسبت به ثبت نام و اخذ گواهی امضاء الکترونیکی اقدام نمایند و جهت عضویت با پشتیبانی سامانه ستاد به شماره ۰۲۱۴۱۹۳۴ تماس حاصل فرمایند. ضمناً درج کامل آدرس محل اقامتگاه شخص حقوقی (آدرس پستی شرکت)، شماره

@saazandeginews

saazandeginews

www.saazandegi.ir



روابط عمومی

www.shana.ir

www.setadiran.ir

www.ioptc.ir